

# نخب

نشریه جوانان مستقل انقلابی  
شماره ۳/دی، بهمن و اسفند ۱۴۰۳

- روایت دیدار
- سکوت در دل آتش
- هسته گزینش، یادآور تلاش ها و چالش ها



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نشریه سیاسی اجتماعی نجما / شماره سوم زمستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی مستقل مرکز آموزش عالی شهدای مکه

مدیر مسئول: امیر حسین امینی

سر دبیر: مهرداد خجسته

بازبینی و ویراستار: مهرداد خجسته، زهرا طباطبایی

طراح جلد: زکیه فلاح

هیات تحریریه: سیدعلی میریان، امیرمحمد مقیمی،

امیرمهدی ناصحی، محمدایمان ریاضی فر، آرمین یاری،

امیر محمد محسنی راد، ابوالفضل کاظمی،

پرهام عظیمی، امیر حسین کریمی، طهورا موگویی،

هانیه همت زاده، نرگس هوری، آرزو رحیمی، سیده

محدثه فتاحی موسوی، مطهره خبازیان، زهرا مطهری نژاد

، سیده ضحاکاظمی دینان، حدیث کربلایی،

رقیه جباری، مهدیه طاهری، مشکات علیرضایی

فاطمه یوسفی، ملیکا احترامی، محیا حاجعلی،

تینا فضلعلی، زهرا هژبری نژاد، طاهره براتی مبینا کوشکی

و امیر حسین امینی



# فهرست

۱ سیر تاریخ استعمار از دانوب تا تهران؛ قسمت سوم

۳ سکوت در دل آتش

۵ نغمه نجات در مسیحیت

۷ سیر تاریخ یهودیت

۹ زنان و اجتهاد

۱۱ نوری در تاریکی قاجار

۱۳ نقشه تحول؛ دگرگونی در آموزش

۱۵ هسته‌ی گزینش یادآور تلاش‌ها و چالش‌ها

۱۷ جرقه انقلاب اسلامی

۲۰ آموزش و پرورش تطبیقی

۲۵ ارتقای سطح آموزش و پرورش

۲۸ روایت دیدار

# سیر تاریخ استعمار از دانوب تا تهران

## قسمت سوم

امیر محمد مقیمی  
آموزش تاریخ  
سیده محدثه فتاحی موسوی  
آموزش الهیات

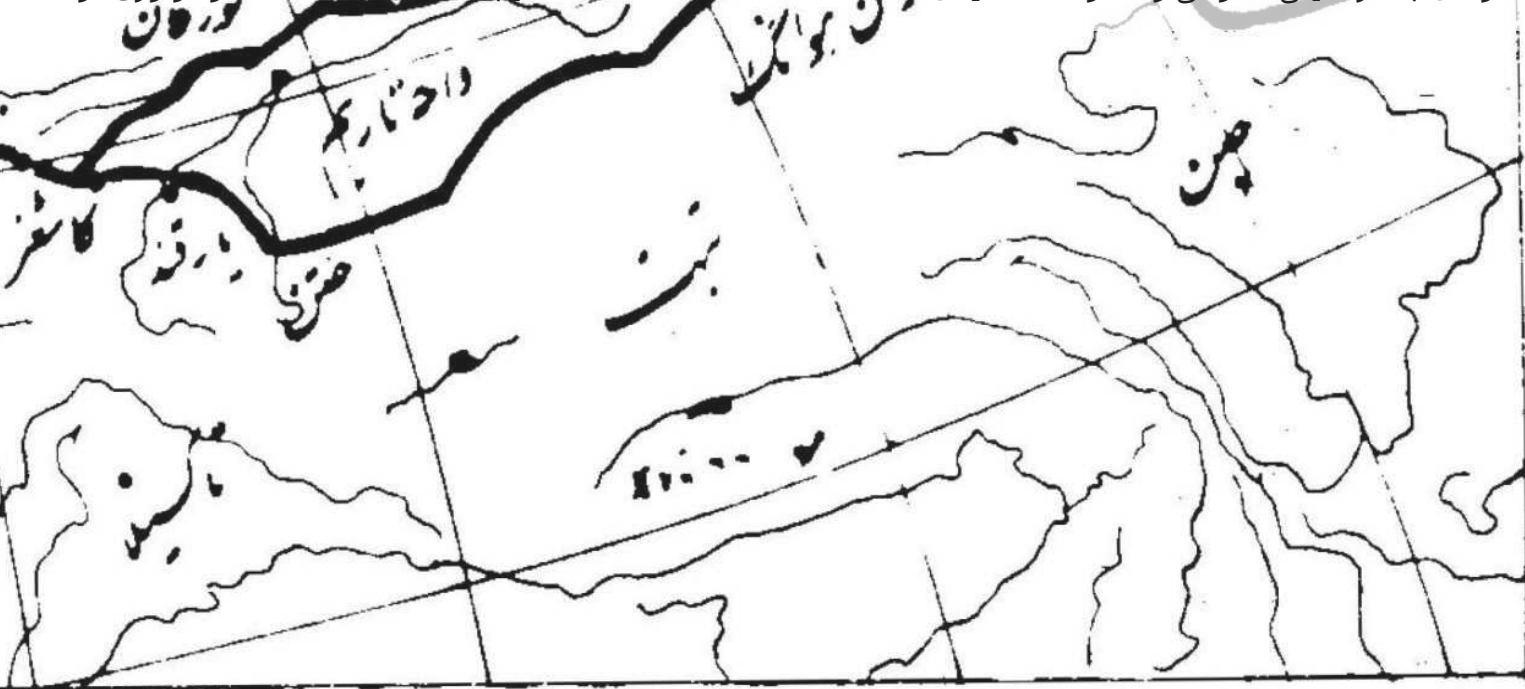
از جمله دستاوردهای مهم اشکانیان، توسعه و رونق جاده ابریشم بود که به عنوان یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجاری و فرهنگی در تاریخ شناخته می‌شود. این جاده، نه تنها ایران را به دیگر نقاط جهان متصل می‌کرد، بلکه موجب تبادل کالا، دانش و فرهنگ میان شرق و غرب گردید. اشکانیان با بهره‌گیری از این مسیرهای تجاری، به تسهیل ارتباطات و مبادلات اقتصادی پرداختند و به عنوان یک قدرت بزرگ در صحنه جهانی شناخته شدند. در عرصه هنر و فرهنگ، اشکانیان با تکیه بر این تعاملات تجاری و فرهنگی، افق‌های جدیدی را گشودند و به غنای فرهنگی ایران افزودند. به‌راستی، اشکانیان با تکیه بر ارزش‌های فرهنگی و ارتباطات عمیق خود با غرب، نقش بسزایی در شکل‌گیری تاریخ و هویت ملی ایران ایفا کردند و به عنوان نماد پیروزی و قدرت در برابر چالش‌های جهانی شناخته شدند. این ارتباطات، همچون نغمه‌ای دل‌انگیز و پیروزمند، در تاریخ ایران طنین‌انداز شد و نشان‌دهنده توانایی اشکانیان در ایجاد توازن میان سنت و نوآوری، و

حکومت سلوکیان و ظهور اشکانیان کمک کرد، که نشان‌دهنده نیاز عمیق مردم به بازگشت به هویت و فرهنگ خویش بود.

اشکانیان، یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین سلسله‌های تاریخ ایران، در قرن سوم پیش از میلاد تأسیس گردیدند و تا قرن سوم میلادی بر سرزمین‌های وسیعی حکمرانی کردند. این سلسله با احیای هویت ملی و فرهنگی ایرانی، در برابر نفوذ فرهنگ هلنیستی ایستادگی کردند و ثبات را در قلمروهای تحت سلطه خود برقرار ساختند.

اشکانیان به‌خوبی دریافته بودند که برقراری ارتباط عمیق و معقول با غرب، به ویژه با امپراتوری روم، می‌تواند به تقویت موقعیت سیاسی و اقتصادی آن‌ها یاری رساند. این سلسله با درک هوشمندانه از ضرورت همزیستی و تعامل فرهنگی، به برقراری پیوندهای مستحکم دیپلماتیک و تجاری با غرب پرداختند و بدین ترتیب، نه تنها استقلال خود را حفظ کردند، بلکه برتری و قدرت خود را در عرصه‌های جهانی به نمایش گذاشتند.

پس از حمله ی اسکندر، در دوران حکومت سلوکیان، اوضاع مردم ایران به شدت آشفته و پریشان بود و این آشفتگی ناشی از عوامل گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بود. مالیات‌های سنگین و فشارهای اقتصادی بردوش کشاورزان و طبقات فرودست جامعه، نارضایتی عمیقی را در دل مردم برانگیخت. در این میان، سلوکیان با ترویج فرهنگ و زبان یونانی، احساس بیگانگی و نارضایتی را در میان ایرانیان بومی تشدید کردند. این سیاست‌ها نه تنها به تضعیف هویت فرهنگی و ملی ایرانیان انجامید، بلکه تنش‌های قومی و مذهبی را نیز به دنبال داشت. مداخلات سلوکیان در امور مذهبی و تلاش برای تحمیل فرهنگ هلنیستیک، به بروز شورش‌ها و قیام‌های متعدد علیه حکومت منجر شد. در حالی که برخی نخبگان از مزایای فرهنگ یونانی بهره‌مند شدند، اکثریت مردم به سنت‌ها و فرهنگ‌های محلی خود پایبند بودند و این تضاد فرهنگی، شکاف‌های عمیقی در جامعه ایجاد کرد. در نهایت، این عوامل به نارضایتی عمومی و سقوط



به این ترتیب، اشکانیان و ساسانیان با درک هوشمندانه از اهمیت تعاملات فرهنگی و اقتصادی با غرب، هر یک به نوبه خود در شکل‌گیری تاریخ و هویت ملی ایران نقش بسزایی ایفا کردند و میراثی غنی از فرهنگ و تمدن را برای نسل‌های آینده به ارمغان گذاشتند. این دو سلسله، با تکیه بر ارزش‌های فرهنگی و قدرت دیپلماسی، به نمادهای جاودانه‌ای از عظمت و شکوه ایران در تاریخ بشریت تبدیل شدند.

ساسانیان نیز همچون اشکانیان، با درک هوشمندانه از اهمیت دیپلماسی و تجارت، معاهدات صلحی چون "مادای" و "آتی" را به امضا رساندند که به تثبیت مرزها و کاهش تنش‌ها کمک کرد. این معاهدات به ساسانیان اجازه داد تا بر روی مسائل داخلی و توسعه اقتصادی خویش تمرکز کنند و از طرفی، ارتباطات فرهنگی و تجاری میان دو امپراتوری را تسهیل نمایند. در عرصه فرهنگی، ساسانیان با تأثیرپذیری از فرهنگ یونانی و رومی، به تبادل دانش و هنر پرداختند و



# سکوت در دل آتش

نقدی بر سازمان ملل در بحران غزه

نمی‌تواند روح انسان را شکسته کند، اگر عزم آن به آزادی و عدالت باشد. این چنین است که غزه نه تنها یک سرزمین جغرافیایی، بلکه نمادی از مقاومت در برابر ظلم و شعله‌ای از امید برای کسانی است که به آینده‌ای بهتر ایمان دارند.

اما در این مقاومت و در برابر وحشی‌گری‌های رژیم غاصب اسرائیل و استکبار جهانی، وظیفه سازمان ملل چیست؟ مگر با بوق و کرنایش در جهان شعار دفاع از حقوق بشر سر نداده بود؟ به گمانم، این مصداق طبل توخالی است.

چه شد که در دنیای مدرن که شعارهای حقوق بشری گوش فلک را پر کرده، سازمان ملل به عنوان نهاد جهانی مدافع صلح، در برابر این جنایات انسانی همچنان از هرگونه اقدام مؤثر عاجز است؟ آیا مرزهای سیاسی و ملاحظات دیپلماتیک باید به گونه‌ای باشند که حقوق ابتدایی انسانی مردم غزه، قربانی منافع قدرت‌های بزرگ شود؟

کودکانی که در دل بمباران‌ها و حملات هوایی به خاک و خون می‌غلطند، دیگر تاب‌وتوان تحمل ظلم را ندارند. خون‌هایشان بر خاک غزه، لکه‌های ننگی است بر دامن بشریت. این

که سازمان ملل دارد، نمی‌تواند در حل مسائل بین‌المللی به‌طور موفق عمل کند. بنابراین، تا زمانی که قدرت این سازمان در انحصار تعداد محدودی از کشورهاست و نقش اصلی را این کشورها با حق و توی خود بازی می‌کنند، جایی برای نقش دیگر دولت‌ها در حل مسائل بین‌المللی باقی نخواهد ماند. برای مثال، ایالات متحده آمریکا تنها در سال گذشته میلادی، چهار بار قطعنامه‌هایی که خواستار آتش‌بس در غزه بودند را وتو کرد.

مردم غزه در سرزمینی که به دل سنگین‌ترین جنگ‌ها و محاصره‌ها دچار بوده، روحیه‌ای بی‌نظیر از مقاومت نشان داده‌اند. این سرزمین، خانه مردانی و زنانی است که هر روز در برابر طوفان‌ها ایستاده‌اند و از خاک و خون، حقیقتی به نام پایداری ساخته‌اند. مقاومت مردم غزه نه تنها در میدان جنگ بلکه در دل‌هایشان نهفته است. آن‌ها در برابر تمام ظلم‌ها و سختی‌ها، تنها چیزی که نمی‌توانند از دست بدهند، امید به فرداست. امیدی که با هر قطره خون و هر فریاد خاموش‌شده، همچنان زنده می‌ماند. مقاومت غزه در دل جهان بژواکی است از رهایی؛ از اینکه هیچ چیز

سازمان ملل متحد، یکی از مشهورترین سازمان‌های بین‌المللی است که در پی ناتوانی جامع ملل در جلوگیری از جنگ جهانی دوم به وجود آمد. کشورهای بزرگ قبل از خاتمه جنگ، طرح تأسیس این سازمان جهانی جدید را پی‌ریزی کردند تا حافظ امنیت و صلح بین‌المللی باشد. فلسفه وجودی این سازمان از زمان تأسیس بر مبنای حل مناقشات مرزی، منطقه‌ای و جهانی، بهینه‌سازی روابط بین‌الملل، احترام به حقوق انسانی و رفع تبعیض و ظلم است. با این حال، به دلیل منافع متفاوت دولت‌های مختلف عضو سازمان ملل، تصور سازمانی با قاطعیت و مطابق اصول مشخص و تعیین‌شده تا حد زیادی غیرواقعی است.

مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت نهاده شده است و این نهاد موظف است تمام تلاش خود را برای رسیدن به این هدف به کار گیرد؛ اما عملاً این شورا در راستای اهداف پنج عضو دائم آن عمل کرده است. نمی‌توان تصور کرد که این سازمان در برخورد با بحران‌های مختلف به گونه‌ای یکسان اقدام کند. با توجه به فشار زیاد قدرت‌های بزرگ در این سازمان و ضمانت اجرایی ضعیفی





در نهایت، سکوت سازمان ملل نه تنها ضربه‌ای به قلب عدالت وارد می‌کند، بلکه به یک هشدار برای آینده تبدیل می‌شود. آینده‌ای که در آن، قدرت‌های جهانی هر روز با توجیهات مختلف از ایفای مسئولیت‌های انسانی خود شانه خالی می‌کنند. صدای غزه به جایی نمی‌رسد؛ اما تاریخ روزی از این سکوت‌ها خواهد پرسید که چرا در برابر چنین جنایات آشکاری، تنها واژه‌هایی بی‌اثر و وعده‌هایی بی‌پایان وجود داشت؟



**رقیه جباری**  
**آموزش زبان عربی**  
**حدیث کربلایی**  
**آموزش زبان عربی**  
**مهدیه طاهری**  
**آموزش زیست‌شناسی**

برای ایستادن در برابر ظلم است. در این وضعیت، چیزی که بیشتر از هر چیز به چشم می‌آید، از دست رفتن اعتماد ملت‌ها به این سازمان است. این سکوت، گویی پلی است به سوی بی‌عدالتی و جنایات بیشتر که می‌تواند به راحتی ادامه یابد؛ تا جایی که صدای مظلومین از زمین به آسمان برود! در دل این سکوت، وعده‌های بی‌پایان و بی‌ثمر برای صلح به گوش می‌رسد؛ اما در واقعیت، هیچ قدمی برای متوقف کردن این خشونت‌ها برداشته نمی‌شود. این وضعیت تنها به برجسته‌تر کردن ناتوانی این سازمان، دامن می‌زند.

سکوت سازمان ملل به نوعی به معنای نادیده گرفتن خون بی‌گناهان است. قطعنامه‌های سازمان ملل درباره حقوق بشر در فلسطین نه تنها به سرنویشت دردناک فلسطینی‌ها کمکی نمی‌کنند، بلکه هر بار که جنایات جدیدی علیه مردم بی‌گناه این سرزمین اتفاق می‌افتد، باعث می‌شود که جامعۀ جهانی بیشتر از پیش به ناتوانی خود در اقدام عملی احساس ناتوانی کند. این سکوت، نه تنها باور به عدالت جهانی را متزلزل می‌کند، بلکه اعتماد ملت‌ها به سازمانی که باید حافظ حقوق بشر باشد را از بین می‌برد.

سازمان در برابر جنایات اسرائیل علیه مردم بی‌پناه غزه، سکوتی دردناک اختیار کرده است؛ گویی تنها ناظر است و نه حامی... سکوتی که نه تنها در برابر خون‌های بی‌گناه جاری‌شده در خیابان‌ها و خانه‌های فلسطینی، بلکه در برابر فریادهای مادرانی که فرزندانشان را در آغوش از دست داده‌اند...

نهادهایی که در اساس به خاطر حقوق بشر و صلح جهانی به وجود آمده‌اند، چرا باید در برابر کودک‌کشی‌های آشکار بی‌تفاوت باشند؟ چرا سازمان ملل که می‌بایست تکیه‌گاهی برای تمامی ملت‌ها باشد، در این بحران انسانی در غزه تنها به تماشای صحنه‌ای خونین و وحشتناک بنشیند؟

در حالی که مردم فلسطین در میان خرابه‌ها و ویرانی‌ها تلاش دارند تا صدای خود را به گوش جهانیان برسانند، هیچ واکنشی از سوی این نهاد جهانی جز توجیهات سیاسی و وعده‌های بی‌نتیجه مشاهده نمی‌شود. در حالی که خون‌های بی‌گناه در غزه ریخته می‌شود، آیا برای سازمان ملل تنها منافع قدرت‌های بزرگ مهم است؟

بدون تردید، سکوت سازمان ملل در برابر این فجایع به نوعی دال بر بی‌تفاوتی و عدم اراده سیاسی



# نغمه نجات در مسیحیت

محیا حاجعلی آموزگار  
مشکات علیرضایی آموزش تاریخ  
زهرا هژبری خانقاه آموزش ابتدایی

حال، در هر دو دین، بازگشت منجی به عنوان یک واقعیت قطعی و مورد انتظار است.

۱. حکومت جهانی عادلانه: در هر دو دین، باور به برپایی حکومتی عادلانه و جهانی توسط منجی مطرح است. در این حکومت، عدالت بر ظلم غلبه کرده، فساد از بین می‌رود و تمامی مردم در صلح و آرامش خواهند زیست.

۲. تولد معجزه‌آسا: در هر دو دین، تولد حضرت عیسی (ع) و حضرت مهدی (ع) معجزه‌آسا بوده است. قرآن نیز به صراحت تولد حضرت عیسی از مریم باکره را تأیید می‌کند.



۳. نسب مشترک: بر اساس برخی روایات، هر دو منجی از نسل حضرت داوود (علیه السلام) هستند که به طور غیرمستقیم بر استمرار رسالت الهی دلالت دارد.

باور به ظهور منجی در ادیان مختلف، از جمله مسیحیت و اسلام، به طور کلی با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است. در مسیحیت، برخی از گروه‌ها در انتظار رجعت عیسی در دوره‌های خاصی از تاریخ بودند، اما با گذشت زمان و

که در انجیل‌ها مورد اشاره قرار گرفته است.

انجیل متی می‌گوید: «چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد، با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگی خود قرار خواهد گرفت.» همچنین در انجیل لوقا آمده است: «باید کمرهای شما بسته باشد و چراغ‌هایتان افروخته باشد، مانند کسانی که منتظر آمدن آقای خود هستند.» این بشارت‌ها نشان‌دهنده این است که حضرت عیسی به زودی خواهد آمد و بشریت را از ظلم رهایی خواهد بخشید.

در آموزه‌های مسیحی، آخرالزمان به طور ناگهانی رخ خواهد داد. انجیل مرقس تصریح می‌کند که «نه ملائکه آسمان و نه فرزند، هیچ‌کس از روز و ساعت آن مطلع نیست، پس باید آماده باشید.» اما در برخی دیگر از متون، این تحول به طور تدریجی و تکاملی پیش‌بینی شده است.

در دوران‌های مختلف تاریخ مسیحیت، گروه‌های مختلفی به وقوع آخرالزمان نزدیک می‌دیدند، اما به مرور زمان این انتظار تبدیل به باوری شد که وقوع آن در آینده‌ای نامعلوم است. در این دوران، مسیحیان در انتظار رجعت حضرت عیسی هستند تا عدالت را در جهان برقرار سازد.

در مسیحیت، عیسی مسیح به عنوان منجی آخرالزمان شناخته می‌شود، در حالی‌که در اسلام، منجی اصلی حضرت مهدی (علیه السلام) است. با این

موضوع منجی و ظهور آن در ادیان مختلف، به ویژه در مسیحیت و اسلام، جایی ویژه در باورهای دینی و فلسفی دارد. در این مقاله به بررسی نقش منجی در مسیحیت و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با باورهای اسلامی می‌پردازیم. مسیحیان اعتقاد دارند که عیسی مسیح به عنوان منجی آخرالزمان بازخواهد گشت و عدالت را در جهان برقرار خواهد ساخت. اما آیا این باور مشابه با دیدگاه اسلام در خصوص منجی است؟ در ادامه با بررسی این موضوع، به جنبه‌های مختلف آن می‌پردازیم:

مسیحیت به طور بنیادین بر اساس آموزه‌های یهودیت ساخته شده است. دین مسیحیت از نظر معرفتی و شناختی ادامه‌دهنده دین یهود است و به شدت تحت تأثیر عهد عتیق قرار دارد. اما در متون مسیحی، بشارت‌های روشن‌تری در مورد منجی آخرالزمان، حضرت عیسی (علیه السلام)، وجود دارد. در این متون آمده که حضرت عیسی، مسیحای موعود، روزی بازخواهد گشت تا ظلم و فساد را از جهان بزدايد و رستگاری نهایی را به بشریت هدیه دهد.

برای مسیحیان اولیه، عیسی مسیح نه تنها پیامبری برگزیده بود، بلکه به عنوان مصلح جهانی شناخته می‌شد که به طور معجزه‌آسا مصلوب شد و پس از سه روز از مرگ برخاست. به طور مشخص، رجعت حضرت عیسی (ع) در آینده موضوعی مهم و قطعی است



این آیین‌های انتظار در هر دو دین، بر آمادگی و تلاش برای بهبود فردی و اجتماعی تأکید دارند تا بتوانند در روز ظهور منجی به عنوان حامیان او در تحقق عدالت جهانی مشارکت کنند.

در نهایت باور به ظهور منجی در مسیحیت و اسلام، اگرچه با تفاوت‌های مشخصی در جزئیات همراه است، اما از نظر اساسی و اهداف مشترک است. هر دو دین به ظهور فردی معصوم و الهی اعتقاد دارند که با ظهور خود، عدالت را در دنیا برقرار کرده و ظلم و فساد را از بین خواهد برد. این باور نه تنها در تاریخ این ادیان، بلکه در دل تمام انسان‌ها به عنوان آرزوی جهانی بهتر و عادلانه‌تر پابرجا مانده است.

عدم وقوع آن، این انتظار به باورهای متفاوتی تبدیل شد. به طور مشابه، در اسلام نیز زمان ظهور حضرت مهدی (عج) مشخص نیست و هیچ‌کس نمی‌تواند به طور قطعی زمان آن را پیش‌بینی کند.

در هر دو دین، با ظهور منجی، جهان به سمت تغییرات اساسی می‌رود. در مسیحیت، این تغییرات به شکل نابودی ظلم و فساد جهانی خواهد بود، و در اسلام نیز ظهور حضرت مهدی (عج) با علائمی مانند خروج دجال، خسف بیداء، و ظهور یمانی و سفیانی همراه خواهد بود.

در مسیحیت، انتظار بازگشت حضرت عیسی (ع) به عنوان یک اصل اعتقادی اساسی مطرح است. مسیحیان در طول تاریخ، مراسم‌ها و دعاهایی برای تسریع در بازگشت مسیح برگزار کرده‌اند و همواره به دنبال آماده‌سازی خود برای ظهور مجدد او هستند. در اسلام نیز شیعیان همواره در انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) هستند و دعاهایی همچون دعای فرج، دعای ندبه و دعای عهد برای تسریع در ظهور او می‌خوانند.



# سیر تاریخ یهودیت

فاطمه یوسفی دانشجوی آموزش تاریخ  
آرزو رحیمی دانشجوی آموزش الهیات



به عنوان پایتخت خود انتخاب کرد و با ایجاد قدرت سیاسی و نظامی، بنیان‌های حکومت یهودی را تقویت نمود. سلیمان (ع) نیز نخستین معبد یهودی را در این شهر بنا کرد که به مرکز



مذهبی یهودیان تبدیل شد. اما پس از مرگ سلیمان (ع)، پادشاهی یهودی به دو بخش تقسیم شد: اسرائیل در شمال و یهودا در جنوب. این تقسیمات سیاسی موجب ضعف حکومت یهودی شد و در نهایت زمینه‌ساز حملات خارجی و نابودی این پادشاهی‌ها گردید.

در سال ۷۲۲ پیش از میلاد، پادشاهی اسرائیل توسط آشوریان نابود شد و در سال ۵۸۶ پیش از میلاد، بخت‌النصر پادشاه بابل اورشلیم را تصرف کرد و معبد سلیمان را ویران ساخت. این واقعه منجر به اسارت بابلی یهودیان و آغاز دیاسپورای یهودی شد که موجب پراکندگی آن‌ها در سرزمین‌های مختلف گردید.

در این دوران، یهودیان از یک سرزمین واحد محروم شدند، اما هویت دینی و اجتماعی آن‌ها همچنان پابرجا ماند و در پی تحولات مختلف، از جمله تحت سلطه امپراتوری‌های ایران، یونان و روم، یهودیت به طور گسترده‌تری در دنیای مدیترانه و آسیا پخش شد. این تحولات زمینه‌ساز دگرگونی‌های فرهنگی و مذهبی در تاریخ یهودیت بوده و تا به امروز نیز اثرات آن در دنیای معاصر مشاهده می‌شود. در این بخش به بررسی کتاب یهودیان

برگزیده خواهد بود. این پیمان الهی که مبنی بر پرستش خدای یگانه بود، به پایه‌گذاری هویت یهودی تبدیل شد و در شرایع موسی (ع) نیز استمرار یافت.

فرزندان ابراهیم، اسحاق و یعقوب (که بعدها نام اسرائیل را به خود گرفت) نقش مهمی در شکل‌گیری و تکوین قوم یهود داشتند. یعقوب دوازده پسر داشت که هر یک از آن‌ها بنیان‌گذاری از دوازده سبط اسرائیل بودند. این قبایل ابتدا زندگی کوچ‌نشینی داشتند و بعدها در سرزمین کنعان مستقر شدند.

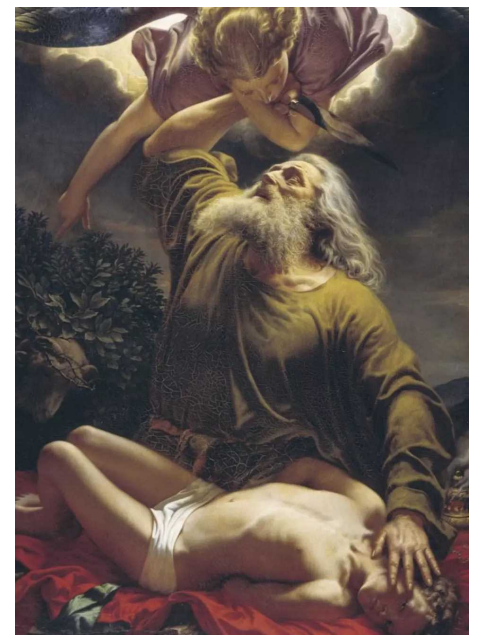
یکی از وقایع برجسته تاریخ یهود، مهاجرت بنی‌اسرائیل به مصر و اسارت آنان در این سرزمین بود. روایت‌ها بیان می‌کنند که یوسف، فرزند یعقوب، به مقام بالایی در دربار فرعون رسید و به دلیل قحطی، خانواده خود را به مصر دعوت کرد. در ادامه، بنی‌اسرائیل در مصر به بردگی گرفتار شدند تا این که موسی (ع) به فرمان خداوند آنان را از اسارت رهایی بخشید.

واقعه خروج (Exodus) که هم در تورات و هم در قرآن به تفصیل آمده، یکی از نقاط عطف تاریخ یهودیت است. در این واقعه، موسی (ع) بنی‌اسرائیل را از مصر به سوی صحرای سینا رهبری کرد و در کوه سینا، شریعت الهی را که بعدها در قالب تورات تدوین شد، دریافت کرد. این قوانین که پایه‌گذار ساختار دینی و اجتماعی قوم یهود شدند، اهمیت ویژه‌ای در شکل‌گیری هویت یهودی دارند.

پس از سرگردانی چهل‌ساله در بیابان، بنی‌اسرائیل به سرزمین کنعان وارد شدند که در منابع دینی یهودی به عنوان «سرزمین موعود» شناخته می‌شود. در این منطقه، نخستین حکومت‌های عبری تحت سرپرستی داوود (ع) و پسرش سلیمان (ع) تأسیس شد. داوود (ع) اورشلیم را

یهودیت، یکی از کهن‌ترین و تأثیرگذارترین ادیان توحیدی تاریخ بشریت، در طول زمان تأثیرات عمیقی بر تاریخ، فرهنگ و اندیشه‌های جهانی گذاشته است. تاریخ این دین و قوم یهود از دوران باستان تا به امروز، تحولات چشمگیری را در خود جای داده است. برای درک دقیق‌تر از روند تکامل یهودیت، ضروری است که ابتدا با بستر تاریخی، اجتماعی و فرهنگی جوامع باستانی خاورمیانه آشنا شویم. در هزاره دوم پیش از میلاد، منطقه خاورمیانه مهد تمدن‌هایی چون سومر، اکد، بابل و مصر بود که از این جوامع و تمدن‌ها تأثیرات زیادی بر مفاهیم مذهبی و اجتماعی یهودیت به وجود آمد. در این دوره، مفاهیم اولیه نظیر خداوند یگانه، پیمان‌های مقدس و کتب آسمانی در حال شکل‌گیری بود.

یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های تاریخ یهودی، ابراهیم (ع) است که در سنت یهودی آغاز تاریخ این قوم به او نسبت داده می‌شود. مطابق با روایت‌های توراتی، ابراهیم از اور در بین‌النهرین به سرزمین کنعان مهاجرت کرد و با خداوند عهد بست که نسل او قوم



حضرت موسی نسبت داده‌اند، شراب خواری و مستی می‌کنند به حضرت نوح نسبت داده‌اند و...

همچنین در این کتاب به قیاس بین یهودیان و غیر یهودیان پرداخته شده است: ارواح یهود از ارواح غیر یهود افضل است. ارواح یهود نزد خدا عزیز است، اما ارواح غیر یهود شیطانی و مانند حیوان هستند. بهشت مخصوص یهودیان است و جهنم برای غیر یهودیان. پیامبری به نام مسیح نیامده است. بر یهود است که املاک دیگران را خریداری کند و همیشه سلطه اقتصادی برای یهودیان باشد. کشتن غیر یهودی از واجبات احکام ماست. دشمن یهودی را باید ۳ بار لعن کرد.

کلیساها و مساجد که در آن سگ‌های آدم‌نما به صدا در می‌آیند، زباله‌خانه است. همچنان که حیوان بر انسان برتری دارد، یهودی بر غیر یهودی افضلیت دارد. غیر یهودی مانند سگ است. نان و گوشت دادن به سگ جایز است اما به غیر یهودی حرام است. خانه‌های یهودی به منزله طویله است. قتل غیر یهودیان مانند خوک مباح است.

ادامه دارد...

و عقاید آنان می‌پردازیم. کتاب یهودیان عهد عتیق نام دارد. این کتاب ۳۹ فصل است که کتاب تورات ۵ فصل از این ۳۹ فصل است. احکام یهودیان در تورات آمده است. تفسیری که مراجع یهودی روی احکام انجام می‌دهند، تلمود نام دارد.

از نظر یهودیان، انسان‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول یهودیان، کسانی که مادرشان یهودی است. دنیا و مافیها برای این‌هاست. هر چه در دنیاست برای یهودی است. به همین دلیل دزدی از غیر یهودی حلال است. یهودی‌ها تبلیغ دینی ندارند. چرا می‌گویند نژادپرست هستند؟ چون وراثت برایشان مهم است. دومین دسته کسانی هستند که مادرشان



یهودی نیست اما حاکمیت کلی یهود بر جهان را قبول دارند که باید به خدمت یهودیان درآیند. و دسته آخر کسانی هستند که نه مادرشان یهودی است و نه حاکمیت یهود را بر جهان قبول دارند. یهودیان معتقدند این دسته از انسان‌ها باید کشته شوند، ولو به هر شکل و طریقی که باشد.

ویژگی خدا از منظر تلمود چنین است: مانند انسان است، بسیار نادان است، زود پشیمان می‌شود، در عین ۳ تا بودن یکی است و بین مردم تفرقه می‌اندازد و...

همچنین تلمود پیامبران را این‌چنین می‌پندارد: با خدا کشتی می‌گیرند به حضرت یعقوب نسبت داده‌اند، برای پرستش بت‌ها خانه می‌سازند، به حضرت سلیمان نسبت داده‌اند، با خدا به درشتی صحبت می‌کنند به

# زنان و اجتهاد

**تینا فضلعلی آموزش ابتدایی**  
**طاهره براتی آموزش کودکان با نیازهای ویژه**

خانوادگی و علمی خود از آموزه‌های این بزرگان بهره‌مند شوند. در ادامه این روند، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیروی از زنان عالم و عارف را نیز مورد تأکید قرار داده و اجازه اجتهاد به زنان فقیه صادر کرده‌اند.

یکی از این زنان برجسته، بانو مجتهده امین، با نام کامل فاطمه امین است که به عنوان یکی از علمای بزرگ شیعه شناخته می‌شود. ایشان از سنین کودکی در مسیر تحصیل علم قرار گرفت و در سن ۴۰ سالگی به درجه اجتهاد رسید. بانو امین نه تنها در حوزه فقه و حدیث، بلکه در زمینه‌های فلسفه و عرفان نیز آثار برجسته‌ای از خود به جای گذاشت. ایشان علاوه بر تألیف کتاب‌های متعدد، در پاسخگویی به پرسش‌های دینی مردم و ارشاد زنان نیز فعال بود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص بانو امین نیز بیاناتی دارند که نشان از احترام و ارادت ایشان به این بانوی بزرگ دارد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره‌ی بانو امین می‌فرمایند: «تجلیل از بانوی بزرگوار اصفهانی [خانم امین] و ارائه شخصیت عرفانی و فقهی و فلسفی برجسته یک زن در کشور ما، کاری سودمند و در جهت احیای ارزش‌های اسلامی در زنان به نظر می‌رسد.»

بانو مجتهده امین به عنوان یک شخصیت برجسته، با تلاش‌های علمی و دینی خود توانست نقشی اساسی در ترویج علم و ارتقاء وضعیت زنان مسلمان ایفا کند. آثار ایشان همچنان به عنوان منبع الهام برای نسل‌های آینده استفاده می‌شود و سیره زندگی ایشان سرشار از درس‌هایی از ایمان، علم و خدمت به جامعه است.

خود به حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) به عنوان الگویی بی‌نظیر برای زنان مسلمان اشاره کرده‌اند. ایشان تأکید کرده‌اند که هیچ زن مسلمانی نمی‌تواند الگویی بهتر از حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) پیدا کند. در این زمینه، امام خامنه‌ای خاطرنشان کرده‌اند که حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) در تمام مراحل زندگی‌اش، از کودکی تا دوران جوانی، در رفتار با پدر، همسر و فرزندان و در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، سرمشق و الگوی بی‌نظیری برای زنان مسلمان بوده است. در همین راستا، ایشان تأکید دارند که زنان مسلمان باید از این الگوها بهره‌برداری کرده و در زندگی اجتماعی،



**بانو امین؛ الگویی از علم، فضیلت و تلاش در تاریخ اسلام**  
زن در اسلام همواره جایگاهی بلند و ویژه داشته است. از تاریخ پیامبر اسلام تا دوران معاصر، زنان مسلمان با رشادت‌ها، فداکاری‌ها و تلاش‌های بی‌وقفه خود نشان داده‌اند که قادرند در هر عرصه‌ای از علم، سیاست و اجتماع به ایفای نقش پرداخته و تأثیرگذار باشند. در این میان، بانوانی همچون حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) و بسیاری دیگر، همچنان به عنوان الگوهای بزرگ در تاریخ اسلام شناخته می‌شوند. در این نوشتار به بررسی برخی از این الگوها، به ویژه بانو مجتهده امین، خواهیم پرداخت که با علم و تلاش‌های خود در راستای ارتقاء جایگاه زنان مسلمان، نقشی برجسته ایفا کرده است.

تاریخ اسلام شاهد رشادت‌ها و نقش‌آفرینی‌های بسیاری از زنان بوده است. از دوران حضرت محمد (ص) تا تاریخ معاصر، زنان مسلمان همواره در عرصه‌های مختلف حضوری پررنگ داشته‌اند. یکی از این زنان بزرگ، نسیم بنت کعب است که در جنگ بدر خود را سپر حضرت محمد (ص) کرد. همچنین، حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) و حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) به عنوان نمادهای ایثار، شجاعت و معرفت، همواره مورد احترام و محبت مسلمانان بوده‌اند.

در کنار این شخصیت‌های برجسته، زنان معاصر نیز از جمله خانم مرضیه حریرچی و فائزه رحیمی و بسیاری دیگر، نقشی مهم در عرصه‌های اجتماعی و دینی ایفا کرده‌اند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در یکی از سخنان

یاد و خاطره بانو امین باید چراغ راهی  
برای نسل‌های آینده باشد تا در مسیر  
رشد و تعالی علمی و دینی خود گام  
بردارند. بانو مجتهد امین نشان  
داد که زنان مسلمان با ایمان و تلاش  
می‌توانند در عرصه‌های مختلف به  
قله‌های علمی و معنوی دست یابند  
و در راستای تحقق اهداف دینی و  
اجتماعی گام بردارند.



# نوری در تاریکی قاجار

شد آگاهی عمومی مردم ایران زمین افزایش یابد و آنان را از علوم روز و غیره مطلع سازد.

انتشار وقایع اتفاقیه از ارزنده‌ترین اقدامات اجتماعی میرزای فراهانی بود که نقش مهمی در توسعه فرهنگ مطبوعات و ارتقا سطح آگاهی عمومی داشت و زمینه‌ساز پیدایش سایر نشریات در ایران شد.

در کل می‌توانیم بگوییم، زندگی امیرکبیر با نخستین‌ها پیوند خورده است و همین باعث شده تا نامش در این صفحات گم نشود و سرمشقی هر ایرانی برای نگاهی جدید و دوراندیشانه به رویداد های زندگی باشد.

## سید علی میریان آموزش زبان انگلیسی

شد. محلی که اساتیدش را امیرکبیر از کشور های اروپایی دعوت کرد تا در تدریس چندین رشته از جمله پزشکی، مهندسی و... فعالیت کنند.

تأثیرات اجتماعی و سیاسی تأسیس دارالفنون، اینگونه بود که این مدرسه باعث شد شیوه واگذاری نقش‌های سیاسی در دولت قاجار تغییر کند؛ به طرزى که پیش از آن، جایگاه‌های حساس و مهم بر اساس روابط خانوادگی و خویشاوندی واگذار می‌شد اما با وجود دارالفنون شرط تصدی مناصب دولتی، تحصیل در این مکان و کسب مهارت‌های لازم شد. فارغ‌التحصیلان مدرسه خیابان ناصرخسرو، نیروهای متخصص مورد نیاز دولت قاجار را تأمین کرده و نقش بسزایی در تأسیس نهادهای سیاسی و اجتماعی جدید در ایران داشتند.

امیرکبیر، یکی از بنیانگذاران تربیت مدرن در ایران بود. او الهام بخش افرادی مانند حسن رشدیه بود که تربیت و تعلم را نه فقط در تهران بلکه به مرور در تبریز و دیگر شهرهای دیگر ایران عزیز گسترش داد.

همچنین، برنامه‌های درسی دارالفنون، دانش‌ها و مفاهیم جدیدی را در دولت قاجار و جامعه ایران منتشر ساخت که باعث تغییر باورها و نگرش‌های حاکم به طبیعت، جامعه و سیاست را شد.

جریان تربیتی امیرکبیر صرفاً محدود به دارالفنون نبود! امیرکبیر با مشکلات زیادی همچون قمه‌کشی در خیابان های دارالخلافه رو به رو بود؛ پس دستور داد که این رسم در شهرها و راه‌ها از بین برود. او حمل انواع سلاح را ممنوع کرد و اینگونه جوانان تهرانی سرکش، فرمانبردار او شدند.

نباید از قلم بیفتد که امیرکبیر با هدف اطلاع‌رسانی و افزایش آگاهی عمومی مردم، نخستین روزنامه رسمی ایران به نام «وقایع اتفاقیه» را منتشر کرد. این روزنامه که شامل اخبار داخلی و خارجی، احکام دولتی، گزارش‌های نظامی، و مقالات متنوع بود، باعث

اگر سری به دفتر عریض و طویل تاریخ کشور پهناورمان ایران بزنیم، نمی‌توانیم ردپای بعضی از افراد را در صفحات آن نادیده بگیریم؛ آنهایی که با اعمالشان باعث اضافه شدن و یا حتی کم شدن اوراقی از این دفتر شدند...

در این میان نباید اجحاف نمود و چشم بر خطوطی بست که حامل نام مردی هستند که مام وطن را از جان و دل دوست داشت و برایش تلاش می‌کرد، کسی که دشمنانی از جنس هم‌وطنان خود داشت، مردی که تا آخرین لحظات عمرش در کاشان، برای پیشرفت و آبادانی و گسترش علم این مرز و بوم جنگید.

مردی که در طول مدت ۳ ساله قدرتش در دولت ایران، کارنامه‌ای درخشان را از خود به جای گذاشت. فردی که رهبری (مدظله العالی) از او به اینگونه یاد می‌کند: «همه اعمالی که انجام داد و همه خاطرات خوبی که تاریخ و ملت ایران از این شخصیت دارد، در طول ۳ سال خلاصه شده است.»

زندگی افراد محاصره شده در کلمات مکتوب این دفتر، پیچ و خم های زیادی دارد اما صفحات زندگی‌نامه امیرکبیر متفاوت است، زیرا که سرشار از افتخار و غرور است.

میرزا محمدتقی خان، که صدراعظم ناصرشاه بود، در طول زندگی پربار خود فعالیت‌های مهمی را رقم زد و ردپای او را می‌توانیم در بسیاری از رویدادهای ایران جست و جو کنیم اما نقش او در تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان این خاک، پررنگ تر است.

وی با تأسیس دارالفنون، به عنوان مأمنی برای آموزش علوم روز دنیا به جوانان، قدمی عظیم به سمت چیزی برداشت که ما امروزه آن را آموزش و پرورش می‌خوانیم.

دارالفنون، نخستین مؤسسه آموزش عالی مدرن در کشورمان، تبدیل به مکانی برای تربیت نیروی انسانی متخصص در زمینه‌های مختلف



# معرفی کتاب:

بدانند. آنها صرفا وسیله‌ای در جهت رسیدن به اهداف هستند نه شریک و همراه.

افراد جهان به سه دسته تقسیم می‌شوند:

اول کسانی که یهودی اند و صاحب تمام جهان هستند

دوم کسانی که وسیله‌ای برای یهودیان برای رسیدن به اهدافشان هستند. مانند فراماسونرها و دولتهای ثروتمند

سوم، افراد خارج از این دو دسته که محکوم به مرگ‌اند.

یکی از راه های دستیابی به اهدافشان، تیره کردن ارتباط جوانان با دولتهاست. علاوه بر آن، می‌توانیم علومى را در اختیارشان بگذاریم که از علم حقیقی فاصله بگیرند؛ البته مطبوعات می‌توانند در این زمینه مفید باشند. استفاده از ادیان نو ظهور و باستانی هم می‌تواند برای گسترش قدرت دین یهود و قوم برگزیده بسیار قابل توجه باشد.

این کتاب از جهت محتوا، با دقت ترین جزئیات رویداده در جهان کنونی مطابقت دارد و با مطالعه‌ی آن می‌توان دلایل منطقی تری برای هرج و مرج‌های رخ داده در جهان یافت.

**ملیکا احترامی**  
**فاطمه یوسفی**

میان آنها و فاصله گرفتن اقوام یهودی از رذایل اخلاقی تشویق شده‌اند. دیگر آنکه این کتاب برخی علوم و حقوق بین الملل را ساخته یهود، برای کنترل هرچه بیشتر اقوام دانسته است. آنها آزادی را وسیله ای برای قراردادن افراد در برابر همه چیز حتی خداوند قرار داده‌اند. قدرت یهودیان نامحسوس است و فراماسونری را در اختیار دارند. از نظر آنها هیچگاه نباید اهداف و راهبردهای صهیونیست آشکار شود و و حتی کسانی که در اختیار یهودیان هستند نباید این راهبرد های کلیدی را

کتاب پروتکل های دانشوران صهیون، متن اوراق لو رفته صهیونیست ها در جلسه ای محرمانه در سال ۱۸۹۷ است. هرچند که بسیاری از منابع، این کتاب را جعلی دانسته‌اند اما رهبر معظم انقلاب توصیه به مطالعه این کتاب کرده و فرموده اند: «اگرچه بعضی این کتاب را جعلی دانسته، اما با بررسی ساز و کار صهیونیست ها، مشابهت فعالیت‌هایشان با پروتکل های یاد شده، لزوم مطالعه را فراهم می‌آورد.»

در این کتاب در ابتدا یهودیان به اعمال زور بر غیر یهودیان، رواج فساد در



# نقشه تحول؛ دگرگونی

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار معلمان (۱۴۰۱/۰۲/۲۱) فرمودند: «پیش

## در آموزش:

از ده سال پیش سند تحول تنظیم شده .... لکن آنچه واقعیت دارد این است که به این سند تحول عمل نشده.»

سیستمی نوین در آموزش و پرورش، یاری می‌کند.

بحث بعدی، شفاف سازی هزینه هاست. تمامی اعتباراتی که در جهت تعلیم تربیت اختصاص می یابد باید بدون کم و کاست در همین امر به کار گرفته شوند. باید شفاف بیان شود که هر آورده منجر به کدام فرآورده گردیده و هر اعتبار به جهت کدام هزینه مصرف شده است.

ما باید بدانیم نظام آموزش و پرورش ما جزو مهم ترین و گسترده ترین وزارتخانه های کشور است و بودجه ای هم که به آن اختصاص می یابد باید جزو کلان ترین بودجه ها باشد. اما اگر منصفانه به این ماجرا نگاه کنیم، آیا تمام بودجه مورد نیاز آموزش و پرورش به آن تعلق می گیرد؟

در سند تحول از جمله راهکارهای مدیریت مصرف، شفاف سازی و افزایش اعتبارات آموزش و پرورش است؛ یعنی باید آورده کلان و هزینه ها منصفانه و شفاف باشند. اجرای این بخش باعث افزایش منابع و شفاف سازی مصارف شده است که اهرمی قدرتمند در تحول شیوه مدیریت نظام آموزش و پرورش و جهش کشور از طریق سهولت در نخبه پروری می شود.

در کتاب های درسی دوره دوم متوسطه، تغییراتی در محتوا، ساختار و رویکرد آموزشی ایجاد شده است. این تغییرات در راستای تحقق اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و به منظور بهبود کیفیت آموزش صورت گرفته است:

تقویت رویکرد مهارت محوری  
توجه به ارزش های اسلامی و انقلابی  
تقویت رویکرد کاربردی

ولی مشکلاتی نیز به همراه داشته است: ۱) از نظر توالی، بین مطالب کتاب های نونگاشت انسجام منطقی برقرار نیست.

نیست و صرفا یک واحد درسی تحت عنوان فناوری در جهت رفع تکلیف از این امر مهم ایجاد شده است.

اما اگر به مفاد این سند توجه شود و ما کار را به جهت مفید بودن و نه رفع تکلیف انجام دهیم می توان چرخ دنده های کهنه نظام آموزشی مان را با تکیه بر آموزش الکترونیک و بستر های جدید توسعه دهیم.

یکی از نکات مهم در آموزش ما این است که باید بدانیم، ایجاد انگیزه در معلمان سهم بسزایی در آموزش هرچه بهتر دانش آموزان دارد. یک معلم زمانی می تواند مفید باشد که ابتدا در ذهن خودش احساس مفید بودن داشته باشد و بداند در آنچه که استعداد و رسالت اوست گام بر می دارد.

تخصیص نیروهایی که صرفا به علت کمبود معلم یا مربی در این شغل فعالیت می کنند و در عین نداشتن تخصص علاقه ای هم به فعالیت ندارند، باعث عدم همراهی درست با دانش آموزان می شود و ضربه ای مهلک به روان آن معلم و مربی نیز وارد می آورد.

چرا ما اجازه ندهیم نیروی سازمانی ما در حیطه ای که خودش احساس کفایت می کند به خدمت بپردازد؟ آیا صرفا با توجه به کمبود نیرو در یک بخش و گنجاندن افراد در آن قسمت، به اجبار و گاهی همراه با سو استفاده از عدم آگاهی نیرو، آیا می توانیم این شکاف را پر کنیم و مسئله حل می شود؟!

آیا در طی این روند فکر کرده ایم چه بلایی بر سر معلم آورده ایم؟ یک نیروی بی انگیزه و سرخورده چطور می تواند برای دانش آموز ما اثر بخش باشد؟! برای همین در سند تحول بنیادین می خوانیم که لزوم داشتن انگیزه در نیروی انسانی امریست که ما را در جهت بهبود و به ثمر رسیدن

«دستگاه آموزش و پرورش احتیاج به نو سازی دارد... حتما احتیاج دارد به نو سازی؛ چون، هم فرسوده است، هم آن روزی که تازه به وجود آمد دارای عیوبی بود. در آموزش و پرورش ما همان روزی هم که تازه بود و این جور فرسوده و کهنه و زمان گذشته و آسیب دیده نشده بود، عیوب اساسی ای وجود داشت که همان عیوب هم تا امروز باقی مانده. وسیله این تحوّل، در درجه اول عبارت است از (سند تحوّل)»

بیانات رهبری در میان اعضا دانشگاه فرهنگیان ۱۳۹۷/۰۲/۱۹

با توجه به سخنان مقام معظم رهبری درباره سند تحوّل انتظار می رود برنامه ریزی آموزش و پرورش با توجه به این سند تنظیم شود.

در این بخش قصد داریم به بررسی همه جانبه تمام گام هایی که در راستای عمل به سند تحوّل برداشته شده، بپردازیم.

علی رغم تلاش هایی که در چند سال اخیر صورت گرفته سیستم آموزش و پرورش کشور ما تقریبا کهنه و با ساز و کارهایی منسوخ است. اما سند تحوّل بنیادین با هدف به روزرسانی و هدایت این نظام در جهت تغییرات اساسی طراحی و تنظیم شده است؛ نکته کلیدی سند تحول، گوشزد کردن همین امر است که: «آموزش و پرورش ما در نقطه مطلوبی نیست و نیاز به یک پوست اندازی اساسی دارد.»

یکی از بندهای این سند درباره استفاده از فناوری در آموزش مدارس است؛ به همین دلیل باید با توجه به سرعت رشد جهانی آن، در مدارس ما نیز به جد پیگیری شود. در حال حاضر بسیاری از مدارس ما توانایی آموزش تخصصی با استفاده از بسترهای مختلف مجازی را ندارند، نیروی متخصص به قدر کفایت موجود



آیا کسانی که معرفت و دانش دارند و کسانی که بی بهره از معرفت و دانش اند یگساستند، الزم ۹۰



مدت قابل تحقق است . مسئولین محترم نباید به دنبال مُسکن های کوتاه مدت باشید، بلکه باید بدانید که آینده به دست دانش آموزان رقم خواهد خورد، پس باید نسبت به آنها مسئول باشید. اگر می‌توانید بسم الله... و اگر از توان شما خارج است، عرصه را به دیگران بسپارید. آینده دانش آموزان شوخی نیست !!

می‌گذارد و پس از آن هر کتاب درسی دو سال به صورت آزمایشی اجرا ، رصد، اصلاح و ارزشیابی می‌شود. اما با توجه به این موضوع در سال های اخیر بارها با روند تغییر کتاب‌ها مواجه بوده‌ایم. در پایان باید بدانیم سند تحول نقشه راه کاملی است که می‌تواند نظام آموزش و پرورش ما را متحول کند. این تحول با اهمیت مسئولین به سند تحول و برنامه‌ریزی مناسب و بلند

(۲) حذف و اضافات بودجه بندی کتب درسی رعایت نشده است به طوری که دروس پایه با کمبود وقت مواجه اند . (۳) محتوای برخی دروس متناسب با نیاز دانش آموزان نیست . باز بینی کتب درسی هر ۵ سال یکبار و باز تالیف کتب درسی هر ۱۰ سال یکبار انجام می‌شود. هر کتاب در ابتدای تالیف قبل از آنکه چاپ بشود یک مرحله جدی بازبینی توسط ۶۴ معلم از ۳۲ استان کشور را پشت سر

طه‌ورا موگویی  
آموزش هنر  
حانیه همت زاده  
مشاور آموزش و پرورش  
نرگس هوری  
آموزش ابتدایی



# هسته گزینش ؛ یادآور تلاش ها و چالش ها

مصاحبه با مدیریت هسته گزینش  
شهرستان های استان تهران

**۱. اهداف اصلی تشکیل هسته گزینش چه چیزی هست و این مجموعه در چه زمینه هایی از فرآیند انتخاب افراد یا مدیریت نقش آفرینی می کند؟**

بالاخره یکی از مهمترین رکن های هر سازمان و هر نهاد نیروی انسانی است. نیروی انسانی که متعهد باشد، متخصص باشد و از نظر اخلاق، رفتار، برخورد، ظاهر و خانواده دارای صلاحیت باشد قطعاً می تواند در پیشبرد اهداف هر سازمان نقش بسیار مهمی داشته باشد. در گزینش سازمان آموزش و پرورش و گزینش هسته ای شهرستان های استان تهران، ما هم بر اساس ضوابط و مقررات جاری گزینش، تمام سعیمان را می کنیم؛ با توکل بر خدا، توسل بر ائمه معصومین (ع) و مددی که از شهدا می گیریم با مسائل و همت ارزشمند تمام همکارانمان در مناطق شهرستان های استان تهران.

تمام هدف این هسته است که افراد با صلاحیت های اخلاقی، صلاحیت های ظاهری، افرادی که مقید باشند نسبت به ظواهر (دینی مثل) نماز، روزه، شرکت در فعالیت های دینی، مذهبی و سیاسی مثبت، کسانی که صلاحیت داشته باشند و حضور پیدا کنند تا ما بتوانیم امانت های ما، دانش آموزان دختر و پسر را در اختیار این بزرگواران قرار بدهیم؛ برای اینکه در آینده نه چندان دور شاهد ترقی رشد و تعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باشیم که مبنای آن بر اساس تائید نیروی انسانی صالح و سنجیده است.

گزینش زیر نظر نهاد ریاست جمهوری است و به صورت مستقیم تمام قوانین و قانون هایی که در گزینش وجود دارد مورد تایید شورای نگهبان و همچنین مجلس شورای اسلامی است. یعنی جزء قانونمندترین نهادهای هر سازمانی گزینش است که باید طبق یک خطکشی خاصی پیش برویم. از طریق مصاحبه، از طریق تحقیقات و از طریق استعلامات خاص صلاحیت های افراد و اشخاص را برای شغل معلمی مورد بررسی قرار می دهیم.

**۲. از آنجایی که هسته گزینش نوعی قضاوت است، آیا این قضاوت می تواند شخصی باشد؟**

تمام سعی هسته گزینش بر این است که بر اساس آن تعالیمی که خداوند متعال در قرآن بیان کرده و همچنین احادیثی که در رابطه با اهل بیت (ع) است، حق الناس در امر گزینش داوطلبان رعایت بشود. گزینش فرا جناحی، فرا سیاسی و فرا حزبی هست لذا ما نمی توانیم افراد را بر اساس گرایش های مذهبی و گرایش های سیاسی خودمان مورد قضاوت قرار بدهیم. وظیفه گزینش این است که طبق آن چیزی که قانون برای آن ترسیم کرده بر اساس همان پیش برود. همانطور که اشاره شد تمام سعی گزینش این است که به هیچ عنوان قضاوت های شخصی سرزشت افراد را مورد تغییر قرار ندهد. ولی خب، تمام خواسته گزینش از افراد این است که شما به عنوان یک شهروند در مملکت جمهوری اسلامی ایران زندگی می کنید و شما قصد ورود به سیستم کاری نظام مقدس جمهوری اسلامی را دارید و قرار است که وظیفه تعلیم و تعلم و تربیت نسل آیند این کشور را در دست بگیرید و قطعاً کسی می تواند در امر آموزش و پرورش فعالیت کند که بر اساس قوانینی که در این حوزه ترسیم شده است عامل باشد.

تمام سعی گزینش این است که بر اساس گفته مقام معظم رهبری که می فرمایند: گزینش مثل یک شمشیر بران و تیز هست، از مو باریک تر و از شمشیر تیزتر! مثل (پل) صراط است که اگر خدای نکرده حق الناس افراد به گردن ما باشد از هر طرف این صراطها بیفتیم، جهنم است. پس سعی می کنیم خداوند، فرامین الهی و فرمایشات معصومین (ع) را مدنظر قرار بدهیم و بر اساس صلاح و مصلحتی که امام خمینی (ره)، حضرت آقا و قانون مشخص کرده است قضاوت کنیم.

**۳. چه معیارهایی در انتخاب اعضای هسته گزینش در نظر گرفته شده و چگونه از شفافیت در این معیارها اطمینان حاصل می شود؟**

قطعاً کارکنان و تمامی مصاحبه گران

و محققان بر اساس «قانون جذب گزینش» باید از فیلترهای خاص رد شده باشند. صلاحیت این افراد و اشخاص بر اساس آن قوانینی که داخل قانون جذب (افراد) و گزینش وجود دارد، مورد بررسی قرار می گیرد و هر کدام استعلام خاص خودشان را دارند و برای استعلام از حراست و تحقیقاتمان کمک می گیریم. اشخاصی نیز مسئول مصاحبه می شوند و صلاحیت این افراد، صلاحیت عمومی و صلاحیت خاص ایشان مورد بررسی قرار می گیرد و اشخاصی که نتوانند از این فیلترها عبور کنند قطعاً نمی توانند صلاحیت های عمومی افراد اشخاص دیگر را مورد بررسی قرار بدهند. چه کارکنان خود گزینش چه کارکنان نیمه وقت و اصطلاحاً دعوت به همکاری گزینش، اگر خودشان مقید به قوانین، رعایت ظواهر ظاهری و پوششی، حضور در نماز جمعه و حضور در انتخابات نباشند مصداق آن رطب خورده و منع رطب است. (آنها) افرادی هستند که خودشان عامل هستند نسبت به تمام موارد دینی، همچنین موارد سیاسی. یعنی انگشت نسبت به افراد و اشخاص بالاتر باشند تا بتوانیم ان شاء الله صلاحیت افراد و اشخاص دیگر را مورد بررسی قرار می دهیم. در هر حال گزینش نیز ممکن الخطاست و قضاوت زود هنگام از آفت های این کار است؛ از اینکه خدایی نکرده حق الناسی بر گردن ما قرار بگیرد. اگر ببینیم مصاحبه گر ما از قدرتی که نسبتاً در گزینش وجود دارد، سو استفاده می کند قطعاً با شورای هسته بر اساس قوانین مقررات با ایشان برخورد می شود، کما اینکه به صورت محدودی افرادی بوده اند که به واسطه نوع رفتار، برخورد و صحبتشان از گزینش عذرشان را خواسته ایم.

**۴. تا به امروز هسته گزینش با چه چالش ها یا نقاط ضعفی روبه رو شده است و این مسائل چه پیامدهایی برای هسته داشته است؟**

مهم ترین رکن هر سازمان و نهادی نیروی انسانی آن است. با توجه به کمبود نیرو در چند سال اخیر و افزایش حجم جذب نیرو در این

مجازی تبلیغات آنچنانی و ارتباطات ناجور داشته‌اند، همان‌ها الان متقاضی حضور در آموزش و پرورش هستند. بالاخره ما هم مکلف هستیم به رعایت یک سری نکات! پس یکی از انتقادات و پیشنهادات من این است که به فرمان حضرت آقا و به تبعیت از ایشان بیاییم مجرای دانشگاه فرهنگیان را بسیار قوی کنیم تا بتوانیم نیروهای حد تراز آموزش و پرورش را از طریق تربیت فرهنگیان جذب کنیم و محدود کنیم. آزمون استخدام کشورمان را محدود کنیم و برای ورود افراد از طریق ماده ۲۸ داخل کشوری بیاییم یک سری معیارهای دیگر در نظر بگیریم و همه چیزها را سر گزینه الان «مقهور واقع شده» نشکنیم. در صورتی که ما کاملاً قانونی بر اساس ضوابط و مقررات حاکم بر گزینش در اینجا رفتار می‌کنیم و فراتر از قانون، جلوتر از قانون و یا دور از قانون رفتار نمی‌کنیم. وظیفه ما این است که افراد صالح را شناسایی کنیم و وارد سیستم کنیم و از ورود افراد ناصالح و ناکارآمد به شدت جلوگیری کنیم.

از طرف من به دوستان خودتان از ما دهه پنجاه-شصتی‌ها به دهه هفتاد-هشتادی‌ها سلام مخصوص برسانید. بگوئید که شهدا را در نظر بگیرید. منی که الان اینجا نشسته‌ام، تکیه کرده‌ام بر این میز و دارم با شما صحبت می‌کنم، این آرامشی که الان ما داریم، ثمره خون شهیدانی هست که جان شیرین و جان ارزشمند خودشان را کف دستشان گرفته‌اند؛ برای رضای خدا، برای دفاع از نظام مقدس جمهوری اسلامی، برای حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران و برای آرامش و ناموس ما رفتند جان خودشان را از دست دادند.

### خبرنگار: عماد ربیعی

سنجش قرار می‌دهد. از چالش‌ها، کمبود امکانات برای هسته گزینش مسئله ساز است. کمبود امکانات برای گزینش چالش به وجود می‌آورد. مورد بعدی فاصله هسته گزینش شهرستان‌های تهران با اداره کل است که انشالله قرار است توفیقی در این زمینه اتفاق بیفتد.

### ۵. در جهت بهبود و ارتقای هسته گزینش چه برنامه‌هایی برای آینده در نظر دارید و انتقادات و پیشنهادات را در این راستا چگونه اعمال می‌کنید؟

باید بدانیم که گزینش یک بازوی توانمند و یک چشم بیننده است. به گفته حضرت آقا و امام خمینیه گزینش را یک یار و همراه بدانیم و مانع نیست. قطعاً هیچ خانواده‌ای فرزندش را تحت تربیت افراد ناصالح قرار نمی‌دهد. یکی از برنامه‌هایی که هسته گزینش به خصوص در قسمت آموزش دارد، این است که در گزینش، آموزش افرادی هست که بتوانند از پارامترهای گزینش به خوبی عبور کنند؛ یعنی اگر مصاحبه‌گر ما دارد مصاحبه می‌کند، او آزمون‌های ادواری و آموزش‌های ادواری دارد. همکاران ما، مصاحبه‌گران متخصص ما آموزش‌های بسیار قوی‌ای دارند تا بتوانیم با توجه به تغییر موقعیت اجتماعی که اگر دقت کرده باشیم مدام وضعیت‌ها دارد تغییر می‌کند، ما هم بتوانیم خودمان را وفق بدهیم. قوانین جاری مقداری تغییر کرده است. آموزش نیروهای مصاحبه‌گر، محقق و ارزیاب یکی از کارهای خوبی است که دارد صورت می‌گیرد. برای جذب افراد و جذب اشخاص بیاییم از فرصت‌های بهتری استفاده کنیم. به گفته حضرت آقا بیایم تمام بیشترین توان خودمان را از مجرای ورود معلمان صالح به آموزش و پرورش استفاده کنیم که بهترینش همان دانشگاه فرهنگیه دبیرجایی هست. در واقع به جای استفاده از معلمان (دانشجویان فرهنگیان) اشخاصی که در دانشگاه‌های دیگر درس خوانده‌اند وارد عرصه تعلیم و تربیت می‌شوند.

به صورت واضح و دوستانه بیان می‌کنم ما نمی‌پذیریم که افراد و اشخاصی که چهار سال در دانشگاه‌های خودشان محرم و نامحرم، حجاب و پوشش مناسب رعایت نکرده‌اند و در فضای

سال‌های گذشته با مسئالی رو به رو بوده ایم! به واسطه کمبود امکانات و تغییر در فرهنگ اجتماعی افراد به خصوص بعد از قضیه منحوس این فتنه‌ای که در سال ۱۴۰۱ به پا شد، متأسفانه می‌بینیم تغییر رویکرد اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و آداب و رسوم خیلی از افراد و کار برای ما سخت شده است. از این جهت سخت شد که هدف اصلی ما تشخیص افراد صالح و جلوگیری از ورود افراد ناصالح است. متأسفانه با توجه به قدرت و فراگیری فضای مجازی که مدیریت خیلی ضعیفی در آن وجود دارد شاهد هستیم که چقدر افکار، عقاید و ظاهر خانم‌ها و آقایون تغییر کرده است. منطقی است که چنین شرایطی مطلوب آن نظام آموزش و پرورش متعالی و خاصه ما نیست. تمام هدفمان این است که خودمان الگوی بچه‌های مردم باشیم. پس یکی از چالش‌هایی که الان در گزینش مطرح است کمبود نیروی انسانی درست و صالح است که بتواند با توجه به حجم کاری هسته گزینش فعالیت کند؛ بنابراین باید جذب بسیار قوی داشته باشیم تا بتوانیم از این قدرت استفاده کرده و نیروهای صالح را جذب کنیم. مدت زمان بسیار کمی که اداره آزمون استخدامی کشور به هسته گزینش می‌دهد، کار را سخت کرده است. من باب این مسئله که در مدت زمان کوتاه نمی‌توان تعداد کثیری از اشخاص را مورد سنجش قرار داد. پس، از چالش‌های هسته گزینش مورد اول کمبود نیروی انسانی و امکانات و دو کمبود زمان که از دیگر چالش‌ها است و میزان خطای انسانی را مقداری بالا می‌برد.

وی اشاره داشت: هسته گزینش شهرستان‌های تهران با توسل به خداوند و معصومین و همچنین همراهی شهدا و اراده کارکنان مجموعه، توانست تا مسائل را پشت سر بگذارد. حوزه فعالیت ما گزینش عمومی است و در مقابل گزینش اختصاصی قرار دارد که زمین تا آسمان با این مجموعه فرق می‌کند. معیارهای آن با معیارهای گزینش عمومی متفاوت است؛ در واقع آنها صلاحیت‌های حرکتی و علمی افراد را مورد تشخیص قرار می‌دهند اما گزینش عمومی صلاحیت‌های عمومی، رفتاری و کرداری افراد اشخاص را مورد

# جرقه انقلاب اسلامی

تحلیلی بر ماجرای ۱۹ دی ماه ۵۷

دلیل قیام

نویسنده این مقاله که بود؟

عامل اصلی قیام ۱۹ دی، انتشار مقاله‌ای با عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» در روزنامه اطلاعات بود. این مقاله به مناسبت روز کشف حجاب و نزدیکی سالگرد انقلاب سفید در ۱۷ دی ۱۳۵۶ش به چاپ رسید. نام نویسنده احمد رشیدی مطلق بود که البته آن را نام مستعار او دانسته‌اند. به گفته سیر آنتونی پارسونز، سفیر سابق انگلیس در ایران، با توجه به سلسله مراتب تصمیم‌گیری در حکومت پهلوی، تصمیم به نگارش و انتشار این مقاله از طرف شخص محمدرضا پهلوی یا ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) یا هیئت دولت بوده است.

همایون، شاه را آمر و عامل اصلی تهیه متن مقاله می‌داند و می‌گوید: «خمینی یک اعلامیه داد و حمله خیلی شدیدی به شاه کرد و شاه همچنان که گفتم نسبت به انتقادات و حملاتی که به او می‌شد حساس بود. اگر در آبیجان و مثلا ساحل عاج هم روزنامه‌ای علیه او چیزی می‌نوشت باید مثلا روزنامه آیندگان جوابی به او می‌داد. جواب

را از ساواک یا وزارت اطلاعات تهیه می‌کردند، می‌فرستادند و ما چاپ می‌کردیم. چنین فضایی بود. وقتی این انتقاد مستقیم به او شد، خیلی خشمگین شد. به هویدا و نصیری گفت به این حمله کنید. هویدا یک دفتر مطبوعاتی داشت که از نخست وزیری برده بود به وزارت دربار و فرهاد نیکوخواه هم رئیس آن دفتر مطبوعاتی بود و کارهای مطبوعاتی هویدا را می‌کرد. به او دستور داد که کسی را پیدا و مقاله‌ای که شاه گفته است را تهیه کنید.»

احسان نراقی هم به نقل از یک مسئول ساواک که در زندان اوین با او همکلام شده بود، روایتی مشابه ارائه می‌دهد که بر نقش کلیدی شاه در نوشته شدن مقاله تاکید دارد. او می‌گوید: «گفت پس از اینکه آقای سید مصطفی خمینی در نجف فوت شد و این جریان وسیله ای شد که در ایران مجامع ترحیم مرتبا تشکیل بشود و خلاصه عدم رضایت سیاسی به این قسم خودش را بیان می‌کرد که شاه را از این بابت خیلی عصبانی کرده بود. در این بین یاسر عرفات یک

تلگراف تسلیتی به آقای خمینی در نجف مخابره می‌کند. آقای خمینی در جواب به یاسر عرفات می‌گوید که درد و محنت من روزی پایان می‌گیرد که ملت ایران از شر این آدم جابر مثلا فارغ بشود، راحت بشود... این مسئول ساواک به من می‌گفت نصیری این متن را برده بود برای شاه، به شاه نشان می‌دهد و شاه می‌گوید حالا دیگر باید جنگ را با روحانیون علنی کرد، به خصوص با آقای خمینی. بروید یک مقاله تهیه بکنید. می‌روند، دستگاه ساواک مقاله تهیه می‌کند. مقاله را نصیری برای شاه می‌برد، شاه می‌گوید نه، این را تندترش کنید که بعد هم وقتی که مقاله حاضر می‌شود می‌گوید از طریق دربار بگویید که همان دربار هویدا می‌فرستد برای وزیر اطلاعات که خودش هم گفته. او هم می‌دهد به روزنامه اطلاعات و اطلاعات هم نمی‌خواهد چاپ کند و خلاصه چاپ می‌کنند، و آن جریانی که در قم و... داشت.

اما زاهدی و نهاوندی این طور فکر نمی‌کنند اما آیا به راستی شاه در تمامی مراحل



شب کیهان، نامه را تحویل می‌گیرد و پس از چند تماس تلفنی موفق به یافتن مصطفی مصباح‌زاده، مدیر روزنامه می‌شود و متن مقاله را برای او می‌خواند و می‌گوید: انتشار این نامه خطرناک است. مصباح‌زاده هم با نظر سردبیر شب موافقت می‌کند و تصمیم می‌گیرند به رغم فشارها، از انتشار مقاله خودداری و انتشار آن را موکول به فردا کنند تا فرصت تصمیم‌گیری با حضور امیر طاهری، سردبیر، فراهم شود. روز بعد خبر حمله به نمایندگی روزنامه اطلاعات در تبریز و آتش زدن روزنامه‌ها رسید و ملازاده نماینده روزنامه کیهان هم خواستار عدم انتشار مقاله شد. به این ترتیب مقاله در ۱۷ دی در روزنامه کیهان چاپ نشد.

#### اعتراض مردم قم به انتشار این مقاله

سید حسین موسوی تبریزی، فعال سیاسی، یکی از رهبران اعتراض مردم قم به مقاله بود. او در شب ۱۷ دی ۱۳۵۶ش، شماری از مجتهدان حوزه علمیه قم (یوسف صانعی، علی‌اکبر فیض مشکینی، حسین وحید خراسانی، جعفر سبحانی، ناصر مکارم شیرازی، محمد مؤمن قمی، سید حسن طاهری خرم‌آبادی و محمد محمدی گیلانی) را در خانه حسین نوری همدانی گرد آورد.

آنها در اعتراض به انتشار مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه» تصمیم به تعطیلی حوزه علمیه قم در ۱۸ دی گرفتند.

این تصمیم به مراجع تقلید وقت اعلام شد. روز ۱۸ دی درس‌های حوزه علمیه قم تعطیل شد و طلاب به منازل برخی مراجع تقلید (سید محمدرضا گلپایگانی، سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، سید محمدکاظم شریعتمداری، میرزا هاشم آملی و سید محمدصادق روحانی رفتند و آنها در جمع طلاب سخنرانی کردند.

بازاریان قم در صبح ۱۹ دی، اعلامیه‌ای در حمایت از حوزه و مرجعیت امام خمینی صادر کرده و بازار را تعطیل

عناصر حزب توده ایران و رشک‌ستگان سیاسی نامیده شده‌اند که توسط فتووالها تأمین مالی می‌شوند و تلاش دارند نظر علمای برجسته مذهبی را به خود جلب کنند که با ناکام ماندن در این امر به سراغ یک روحانی ماجراجو، بی‌اعتقاد، سرسپرده به مراکز استعماری و جاه طلب یعنی روح‌الله خمینی می‌روند و او را با اهداف خود ضدانقلاب سفید همراه می‌کنند در ادامه امام خمینی را با عنوان «سید هندی» فردی معرفی می‌کند که با وجود حمایت‌های خاص در سلسله مراتب مذهبی جایگاهی به دست نیاورده و در نتیجه در پی شهرت تلاش دارد خود را وارد سیاست کند، در این مقاله ادعا شد امام خمینی مدتی در هندوستان به سر برده و با مراکز استعماری انگلیس ارتباطات داشته و حمایت مادی و معنوی هم دریافت می‌کرده است.

#### روزنامه محل چاپ

مقاله از طرف امیرعباس هویدا و وزارت دربار در اختیار داریوش همایون وزیر وقت اطلاعات و جهانگردی و دبیرکل حزب رستاخیز قرار می‌گیرد، با این قید که مقاله باید به سرعت در نشریات چاپ شود.

عصر ۱۶ دی ۱۳۵۶ نامه‌های لاک و مهر شده محتوی مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه» از وزارت اطلاعات و جهانگردی به دو روزنامه اطلاعات و کیهان رسید تا در شماره روز بعد به مناسبت سالگرد کشف حجاب به چاپ برسد. وقتی که قائم مقام روزنامه اطلاعات از محتوای مقاله آگاهی می‌یابد با داریوش همایون تماس گرفته و در مورد تبعات انتشار مقاله‌ای تا این حد تحریک‌کننده هشدار می‌دهد که با تهدید همایون مجبور به چاپ و انتشار این مقاله در صفحه هفتم (صفحه نظرها و اندیشه‌ها) شد. اما در مورد روزنامه کیهان وقایع مسیری متفاوت پیدا کرد. غروب روز ۱۶ دی ماه هوشنگ اسدی سردبیر

از جریان تهیه این نامه مطلع بود و چنانکه داریوش همایون می‌گوید متن نهایی آن با نظر شاه نوشته شد؟!

اردشیر زاهدی از نزدیکان شاه، سفیر وقت ایران در آمریکا و برادر همسر همایون معتقد است شاه نقشی در تهیه این مقاله نداشته است. او چندی پیش گفت: «از قدرت و اسم اعلیحضرت سوء استفاده شد. شرافت به شما می‌گویم... آیا اعلیحضرت از این ماجرا اطلاع داشتند یا نه؟ من می‌توانم بگویم که تردید دارم و ۹۵ درصد فکر می‌کنم که اطلاع نداشتند. اینها خواستند خوش‌خدمتی بکنند و متأسفانه چاپلوسی‌ها ما را به این روز انداخت که امروز هستیم.»

نهادندی نیز معتقد است که شاه نسخه نهایی مقاله را نخوانده بود. اما احمد احرار، روزنامه‌نگار شاغل در اطلاعات که بعدها نیز تحقیقاتی درباره مقاله انجام داد و در نخستین ماه‌های پس از انقلاب، گزارش‌هایی را درباره این مقاله منتشر کرد، نظر دیگری دارد! او در پاسخ به این سوال که آیا محمدرضا شاه این مقاله را پیش از انتشار خوانده بود، می‌گوید: «یقیناً نه! اصلاً این نظر، نظر شخص شاه بود که اوضاع و احوال را طوری می‌دید که فکر می‌کرد ضربه کاری بزند به کسی که در مرکز فعالیت‌های ضد رژیم قرار گرفته بود یعنی آقای خمینی.»

با جستجو و تحقیق، نویسندگان مقاله آقای علی شعبانی یک روزنامه‌نگار بازنشسته بوده است ولی رابط بین شاه یا هویدا با او فرهاد نیکوخواه، معاون مطبوعاتی هویدا بوده است.

#### محتوای مقاله

نویسنده این مقاله (ایران و استعمار سرخ و سیاه) با یادآوری رویدادهای ۱۵ و ۱۶ خرداد ۱۳۴۲ آن را تلاش مشترک عناصر فتووال (استعمار سیاه) و چپ (استعمار سرخ) برای مقابله با طرح‌های انقلاب سفید معرفی می‌کند، در این مقاله‌ها

از مراجع تقلید، در برابر انتشار مقاله و واقعه ۱۹ دی واکنشی نشان نداد. امام خمینی که در آن زمان، به نجف تبعید شده بود، در ۲ بهمن به مناسبت قیام ۱۹ دی پیامی صادر کرد. ایشان در این پیام واقعه ۱۹ دی را ادامه قیام ۱۵ خرداد دانستند و به حامیانش مژده پیروزی در برابر حکومت پهلوی را داد. پس از چهل روز از واقعه ۱۹ دی، در تبریز، مراسم چهارم شهیدان ۱۹ دی در ۲۹ بهمن برگزار شد. میان شرکت‌کنندگان و نیروهای حکومت پهلوی درگیری به وجود آمد و به خشونت کشیده شد و ده‌ها کشته و صدها زخمی پیامد این واقعه بود. پیامدهای قیام ۱۹ دی وحدت میان عالمان شیعه در مخالفت با حکومت پهلوی؛ به حاشیه رفتن عالمان و روحانیانی که به مدارا با حکومت پهلوی معتقد بودند؛ تقویت جنبه اسلامی انقلاب رهبری امام خمینی در نهضت انقلاب اسلامی؛ گسترش و تبدیل نهضت از گروه‌هایی خاص به توده مردم

بوده است. روزنامه اطلاعات در ۲۰ دی، تعداد کشته‌شدگان را شش تن و شمار زخمی‌ها را نه تن گزارش کرده است. به گفته سید حسین موسوی تبریزی که از دست اندرکاران تظاهرات بود، شمار مجموع شهیدان و مجروحان پانزده تن بوده است. البته در منابع غیررسمی، از «گروه زیادی» «هفتاد تا سیصد» و «دهها» شهید سخن گفته شده است. پیشتر شهیدان واقعه ۱۹ دی در قبرستان بقیع قم دفن شدند.

#### واکنش‌ها

قیام ۱۹ دی واکنش‌هایی را در پی داشت؛ حکومت پهلوی ۲۵ یا ۲۷ تن از معترضان را از قم تبعید کرد. برخی از مراجع تقلید مانند سید شهاب الدین مرعشی نجفی و سید محمدکاظم شریعتمداری در ۲۲ دی ماه، قتل معترضان در واقعه ۱۹ دی و محتوای مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه» را محکوم کردند. همچنین برخی از گروه‌های سیاسی هم کشته شدن معترضان در روز ۱۹ دی را محکوم کردند. سید احمد خوانساری

کردند. حرکت بازاریان به سمت حرم حضرت معصومه (س) و همراهی طلاب با آنان باعث تعطیلی درس‌های حوزه در این روز نیز شد. تظاهرکنندگان به خانه برخی مراجع تقلید و مجتهدان وقت (سید محمد حسین طباطبایی، ناصر مکارم شیرازی، مرتضی حائری، حسین وحید خراسانی، حسین نوری همدانی) رفتند و آنها برای تظاهرکنندگان سخنرانی کردند. اوج قیام در عصر آن روز بود. معترضان شامل طلاب و بازاریان قم و نیز گروهی از بازاریان و دانشگاهیان تهران بودند. جمعیت حاضر پس از سخنرانی به سمت چهارراه بیمارستان (چهارراه شهدای کنونی) حرکت کردند. شعارهای معترضان «مرگ بر حکومت یزیدی» و «درود بر خمینی» بود. پس از آن میان تظاهرکنندگان و نیروهای حکومت پهلوی درگیری به وجود آمد. در نزدیکی چهارراه بیمارستان تیراندازی شد و شماری از تظاهرکنندگان کشته و زخمی شدند. بر اساس گزارش ساواک، شمار تظاهرکنندگان حدود ده هزار نفر

**امیرمهدی ناصحی**  
**آموزش زبان و ادبیات فارسی**



# آموزش و پرورش تطبیقی

## اولین قسمت قیاس ایران و امارات

بهار (عید نوروز) و شامل ۱۲ هفته تعطیلات تابستانی است. تعطیلات در امارات شامل ۳ بخش می‌شود: تعطیلات زمستانی: ۳ هفته تعطیلات بهاری: ۲ هفته تعطیلات تابستانی: ۳ هفته مدارس دولتی در ایران همانطور که در بالا توضیح دادیم شامل ۳ دوره ابتدایی: اول تا ششم راهنمایی: هفتم تا نهم دبیرستان: دهم تا دوازدهم مدارس دولتی امارات به این شکل است: ابتدایی: اول تا پنجم متوسطه: ششم تا نهم سیکل ۳ (حلقه الثلاثیه): از نهم تا دوازدهم هر کدام از این دوره ها با یک هدف تشکیل شده اند؛ ابتدایی: با هدف آشنایی با محیط اجتماعی متوسطه: با هدف آمادگی برای آینده و کمک به دانش آموزان در جهت تبدیل شدن به عضو مفید جامعه و دوره ی آخر هم با هدف آمادگی برای شروع کار و مسئولیت پذیری و

دو هفته تعطیلی دارند. سیستم مدارس خصوصی مانند مدارس دولتی ایران است. شامل ابتدایی: اول تا ششم، راهنمایی: هفتم تا نهم و دبیرستان: دهم تا دوازدهم می‌باشد. همین تقسیم بندی مشمول مدارس ایران هم می‌شود. در این بخش به تفاوت های سیستم آموزش و پرورش بین دو کشور می‌پردازیم: در امارات تحصیل در مدارس و دانشگاه های دولتی رایگان است. اما در مدارس و دانشگاه های دولتی ایران در قانون نوشته شده است که باید تحصیل رایگان باشد ولی در حالیکه خلاف این در سیستم ما در حال انجام است. در کشور امارات به دانش آموزان هزینه کمک تحصیلی داده میشود ولی در کشور ما به صورت محدود و فقط برای گروه خاصی است و به عدالت بین استان ها توزیع نمی‌شود. تعطیلات در ایران علاوه بر تعطیلات رسمی و ملی شامل ۲ هفته

در اولین قسمت از موضوع آموزش و پرورش تطبیقی قرار است به قیاس ایران و امارات بپردازیم. سیستم آموزش و پرورش ایران در کنار حسن هایی که دارد، مشکلات فراوانی را نیز متحمل شده است. در بخش اول به شباهت های بین ایران و امارات می‌پردازیم: آغاز سال تحصیلی طبق سایت وزارت تعلیم و تربیت امارات از ابتدا آگوست تا پایان ژوئن است. در ایران از ابتدای مهر تا پایان خرداد که این نشان می‌دهد هر دو کشور فرایند ۹ ماه ی آموزشی را دارند. تحصیل در مدارس و دانشگاه های دولتی برای اتباع دارای شهریه است. در امارت مانند ایران آموزش در بخش خصوصی وجود دارد. تحصیل در هر دو کشور از سنین ۶ الی ۱۸ سال اجباری است. هر دو کشور بر آموزش از طریق زبان رسمی تاکید دارند. امارت زبان عربی و ایران زبان فارسی را مبنای آموزش قرار دادند. از حیث تعطیلات بهاری، هر دو کشور





حال نوبت این رسیده است که اهداف آموزشی این دو کشور را بررسی کنیم. اهداف آموزش و پرورش در ایران بر اساس اسناد بالادستی مانند قانون اساسی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، و برنامه‌های توسعه کشور تعیین شده‌اند. با این حال، بررسی این اهداف نشان می‌دهد که فاصله قابل توجهی بین سیاست‌گذاری و اجرای واقعی آن‌ها وجود دارد. در این تحلیل، اهداف کلیدی آموزش ایران را بررسی کرده و چالش‌های تحقق آن‌ها را تحلیل می‌کنیم.

۱. تربیت انسان مؤمن و متعهد به ارزش‌های اسلامی  
هدف:

پرورش دانش‌آموزانی که به مبانی دینی پایبند باشند و ارزش‌های اسلامی را در زندگی خود به کار گیرند.

تحلیل و چالش‌ها:  
عدم جذابیت روش‌های آموزش دینی: روش‌های سنتی و حفظ‌محور باعث کاهش انگیزه دانش‌آموزان شده است. بسیاری از دانش‌آموزان، درک عمیقی از مفاهیم دینی ندارند و صرفاً مطالب را برای امتحانات حفظ می‌کنند.

تعارض با واقعیت‌های زندگی روزمره: گاهی آنچه در مدارس تدریس می‌شود، با آنچه در جامعه مشاهده می‌شود، متفاوت است و این موجب شکاف میان آموزش‌های مدرسه و باورهای واقعی دانش‌آموزان می‌شود.

نبود آموزش کاربردی اخلاق و سبک زندگی اسلامی: دانش‌آموزان بیشتر با مباحث نظری روبه‌رو هستند و کمتر روش‌های عملی زندگی بر مبنای اخلاق اسلامی را فرا می‌گیرند.

۲. توسعه علمی و فنی برای پیشرفت کشور: هدف:

رشد علمی و افزایش توانمندی‌های فنی دانش‌آموزان برای توسعه کشور و کاهش وابستگی به منابع خارجی.  
تحلیل و چالش‌ها:  
تمرکز بر حفظیات به جای تفکر و

تخصصی از پایه دهم تا دوازدهم در قابل انتخاب برای دانش‌آموزان است.

سیستم نمره دهی امارت شبیه آمریکا است:

A: ۹۰٪\_۱۰۰٪

B: ۸۰٪\_۸۹٪

C: ۷۰٪\_۷۹٪

D: ۶۰٪\_۶۹٪

سیستم نمره دهی ایران در ابتدایی توصیفی شامل (خیلی خوب، خوب، قابل قبول و نیاز به تلاش) است. و در دوران متوسطه و دبیرستان شامل نمره (۰ تا ۲۰) است.  
با توجه به توضیحاتی که داده شد،



همچنین پیدا کردن جایگاه اجتماعی. این حالی است که در ایران، مدارس تمرکز عمده‌ی خود را روی مباحث حفظی می‌گذارند و حتی در بسیاری از دانشگاه‌ها واحدهای عملی را در اقلیت قرار می‌دهند یا بهتر است بگوییم حذف می‌کنند!!  
در امارات موضوعات درسی ۴ دسته هستند:

عمومی که شامل همه دانش‌آموزان است و یک مجموعه متعادل از ریاضی و هنر و کورس‌های علمی آموزش می‌دهند. و دانش‌آموزان بعد از اتمام این دوره وارد رشته‌های دیگری می‌شوند که تمرکز و تاکید بیشتری روی هنر و ریاضیات و علوم مختلف دارند.

دروس حرفه‌ای: به عنوان موضوعات درسی شغلی یا حرفه‌ای شناخته می‌شود و از پایه نهم به دانش‌آموزان ارائه می‌شود و بعد از پایان تحصیل در مقطع دوازدهم دیپلم کاربردی دبیرستان را دریافت می‌کنند که معادل همان دیپلم فنی دبیرستان است.

پیشرفته: بیشتر تمرکزش بر ریاضیات و علوم است.

موضوعات درسی نخبگان: این برنامه برای دانش‌آموزان نخبه طراحی شده است. دانش‌آموزان برگزیده از پایه ششم تا پایان پایه دوازدهم بر اساس این برنامه تحصیل می‌کنند. این برنامه روی ریاضی و علوم تمرکز دارد و مهارت‌های تحلیل، استدلال و حل مسئله را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند.

در ایران موضوعات درسی دو دسته میشوند:

عمومی: شامل دروسی مثل عربی، فارسی و زبان انگلیسی، تفکر و سبک زندگی و آمادگی دفاعی و دروسی از این دست است.

تخصصی: که شامل رشته‌های انسانی، تجربی، ریاضی، هنر و فنی و کاردانش است. که مبانی پایه‌ای و ریشه‌ای را تا حد متوسطی به دانش‌آموزان آموزش می‌دهد. دروس

طبقاتی در آموزش: دانش‌آموزانی که خانواده‌هایشان توان مالی بیشتری دارند، می‌توانند در مدارس خصوصی با امکانات بهتر ثبت‌نام کنند، در حالی که بسیاری از کودکان مناطق کم‌برخوردار از حداقل امکانات آموزشی محروم‌اند.

کمبود معلمان متخصص در مناطق دورافتاده: بسیاری از معلمان باتجربه تمایلی به تدریس در مناطق محروم ندارند و این باعث می‌شود که کیفیت آموزش در این مناطق کاهش یابد.

باید این سوال را از خود و مسئولین پرسیم، آیا آموزش ایران در مسیر درستی قرار دارد؟

در نگاه کلی، اهداف آموزشی ایران در اسناد بالادستی دارای نقاط قوتی مانند توجه به اخلاق، هویت ملی، عدالت آموزشی و پیشرفت علمی هستند، اما در اجرا با مشکلات جدی مواجه‌اند. برای بهبود وضعیت

۴. پرورش مهارت‌های اجتماعی و شهروندی: هدف: آموزش مهارت‌هایی مانند همکاری، مسئولیت‌پذیری، کار تیمی، احترام به قانون، تعامل اجتماعی مؤثر و مشارکت در جامعه.

تحلیل و چالش‌ها: ضعف در آموزش عملی مهارت‌های اجتماعی: بسیاری از مهارت‌های زندگی مانند مذاکره، حل تعارض، مدیریت هیجانات و ارتباط مؤثر به‌طور جدی در مدارس آموزش داده نمی‌شوند.

تمرکز بر انضباط سخت‌گیرانه به جای آموزش مشارکتی: بسیاری از مدارس ایران هنوز ساختارهای سنتی و معلم‌محور دارند و فرصت کمی به دانش‌آموزان برای ابراز نظر و مشارکت در فرآیند یادگیری داده می‌شود.

نبود فرهنگ نقدپذیری و تفکر انتقادی: سیستم آموزشی به‌گونه‌ای طراحی شده که دانش‌آموزان بیشتر به پذیرش اطلاعات عادت می‌کنند تا به تحلیل و نقد آن‌ها. این مسئله می‌تواند در آینده بر سطح مشارکت اجتماعی و رشد فرهنگی کشور تأثیر منفی بگذارد.

۵. کاهش نابرابری آموزشی و عدالت تحصیلی: هدف:

همه کودکان، صرف‌نظر از محل زندگی یا وضعیت مالی، باید به آموزش باکیفیت دسترسی داشته باشند.

تحلیل و چالش‌ها: تفاوت کیفیت آموزش در مناطق شهری و روستایی: مدارس مناطق محروم از نظر تعداد معلم، تجهیزات و امکانات آموزشی بسیار ضعیف‌تر از مدارس مناطق شهری هستند.

افزایش مدارس غیرانتفاعی و شکاف

خلاقیت: نظام آموزشی ایران هنوز تا حد زیادی بر پایه حفظ کردن مطالب استوار است و دانش‌آموزان کمتر درگیر تفکر انتقادی، خلاقیت و پژوهش‌های عملی می‌شوند.

کمبود آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای: بسیاری از فارغ‌التحصیلان مدارس و دانشگاه‌ها آمادگی ورود به بازار کار را ندارند و همچنان اتکای زیادی بر مشاغل دولتی وجود دارد.

مهاجرت نخبگان: به دلیل مشکلات اقتصادی و نبود فرصت‌های شغلی مناسب، بسیاری از استعدادهای برتر به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند و این موجب هدررفت سرمایه‌های انسانی می‌شود.

۳. تقویت هویت ملی و انقلابی:

هدف: آموزش و پرورش باید دانش‌آموزانی تربیت کند که به کشور، فرهنگ و ارزش‌های انقلاب اسلامی پایبند باشند.

تحلیل و چالش‌ها:

کمرنگ شدن احساس تعلق در بین نسل جدید: دانش‌آموزان امروز در معرض اطلاعات گسترده از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی هستند. اگر آموزش هویت ملی و انقلابی با زبان جذاب و متناسب با نیازهای نسل جدید ارائه نشود، ممکن است اثر معکوس داشته باشد.

عدم ارائه روایت چندبعدی از تاریخ: برنامه‌های درسی بیشتر بر یک نوع روایت از تاریخ تمرکز دارند و بعضی موضوعات به‌طور ناقص یا یک‌جانبه مطرح می‌شوند، که می‌تواند در درازمدت باعث شکاف میان واقعیت‌های تاریخی و باورهای دانش‌آموزان شود.



دبستانی.

۲- اهداف عمومی آموزشی پایه:

مهم ترین هدف آموزشی پایه دستیابی جهانی و تکمیل تحصیلات پایه کلیه افراد سطوح مختلف جامعه و فراهم سازی آموزش برای همه در سطح ملی است.

از جمله دیگر اهداف که در راستای اهداف بزرگتر سیاست آموزشی کشور امارات:

۱. پرورش شخصیت انسانی کودکان بر مبنای رفتار و مهارت های اسلامی به والاترین تعبیر و آموختن وظایف دینی به آنان.

۲. تقویت احساس ملی، عربی و اسلامی و تعمیق سازی حس مسئولیت پذیری و اتحاد ملی و تقویت هویت فرهنگی کودکان

۳. برانگیختن حس اشتیاق کودکان جهت تحصیل و کسب دانش و توسعه مهارت ها و تمایلات آنان



۴. تحسین حس زیبایی، عشق به طبیعت و فواید زندگی و توسعه قدرت مشاهده، تخیل و تصور کودکان

۳- اهداف عمومی آموزش غیر رسمی: از جمله مهم ترین اهداف آموزش خصوصی می توان به موارد ذیل اشاره نمود: هم کاری در فعالیت های آموزش عمومی و حرفه ای منطبق بر اهداف و برنامه های تنظیم شده توسط وزارت آموزش و جوانان.

۱. توسعه آموزش زبان های خارجی علاوه بر دوره تحصیلات رسمی.

۲. تنظیم دوره های تحصیلی خاص برای ملیت های خارجی

اصلی هستند: اولاً توسعه آموزش و پرورش و مؤسسات آموزشی در امارت ابوظبی است، و هدف دوم این است که در زمینه توسعه سیاست های آموزشی و خدمات در امارت، با توجه به دیدگاه برای ارتقاء آموزش در امارات ابوظبی به بالاترین استانداردهای بین المللی، مشاوره فنی ارائه شود.

۱- اهداف عمومی حمایت های دوران کودکی: توسعه این فعالیت ها که بر مشارکت خانواده و جامعه مشتمل می گردد، به ویژه در خصوص کودکان بی بضاعت، ناتوان و معلول به تحقق پیوسته است.

از جمله مهم ترین اهداف:

تعلیم کودکان در مراکز پیش دبستانی، پیشرفت اجتماعی و انسانی کودکان و رشد استعداد های ذهنی آنان است.

اصول تطبیقی با این اهداف:

۱- توسعه قدرت درک و بینش کودکان و مشاهده رشد اخلاقی، ذهنی و فیزیکی آنان مطابق با اصول دین اسلام.

۲- تقویت مجموعه لغات کودکان و آموزش اصطلاحات ویژه زبان عربی به ساده ترین شیوه مطابق با سن و مرتبط با زندگی و محیط اجتماعی آنان.

۳- توسعه رشد ذهنی کودکان از طریق تشویق آنان به تحقیق، اکتشاف و اختراع.

۴- تشویق کودکان به تصمیم گیری، بیان نظرات، ابتکار عمل و ایراد نمودن سوالات گوناگون. به طور کلی اصول اساسی مراکز پیش دبستانی امارات:

۱. ساختار عربی و اسلامی جامعه امارات.

۲. تحول اجتماعی در جامعه امارات

۳. تحول خانواده های اماراتی مرتبط با تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور

۴. بررسی نیازمندی های حوزه آموزش پیش

آموزش در ایران، پیشنهادهای زیر قابل توجه هستند:

۱. به روز رسانی روش های تدریس: استفاده از روش های نوین مانند آموزش پروژه محور، یادگیری ترکیبی (آنلاین و حضوری) و افزایش فعالیت های عملی.

۲. افزایش مهارت آموزی در مدارس: توسعه آموزش های فنی، حرفه ای و کارآفرینی برای آماده سازی دانش آموزان برای بازار کار.

۳. کاهش نابرابری آموزشی: سرمایه گذاری بیشتر در مدارس مناطق محروم و کاهش شکاف بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی.

۴. افزایش نقش معلمان در تصمیم گیری های آموزشی: شنیدن نظرات معلمان و افزایش حمایت های مادی و معنوی از آن ها.

۵. توسعه آموزش مهارت های زندگی: گنجاندن مهارت هایی مانند مدیریت مالی، تفکر انتقادی و سواد رسانه ای در برنامه درسی.

حال به سراغ اهداف آموزشی امارات میپردازیم.

اهداف سیستم آموزش امارات شامل بخش های مختلفی است. اهداف شورا شامل دو هدف



آموزشی برای آندسته از افرادی که به فعالیت در زمینه آموزش مبادرت می نمایند.

**مطهره خبازیان:**  
**آموزش ابتدایی**  
**زهرا مطهری نژاد:**  
**آموزش هنر**  
**سیده ضحاکاظمی دینان:**  
**آموزش ابتدایی**

۴. در تماس بودن با دیدگاههای جهانی.

فراهم سازی امکان تکمیل دوره های آموزشی بزرگسالان برای افراد تحت آموزش

۶- اهداف عمومی توسعه مهارت های پایه: بسط مقررات آموزش پایه و پرورش دیگر مهارت های ضروری مورد نیاز جوانان و بزرگسالان و ارزیابی کارایی برنامه ها بر حسب تغییرات رفتاری آنان مهم ترین هدف توسعه مهارت های پایه افراد بزرگسال است. از دیگر اهداف اجرای سیاست توسعه آموزش ملی بزرگسالان در امارات:

۱. ایجاد جامعه ای آموزشی از طریق پیوند برنامه های آموزش رسمی به غیررسمی.

۲. برطرف سازی خلاء به وجود آمده آموزشی ناشی از ترك تحصیل افراد و حفظ مهارت های آموزشی پایه افراد بزرگسال

۳. نیل به پیشرفت انسانی.

۴. همگام سازی برنامه های آموزشی بزرگسالان با برنامه های تربیتی فنی و حرفه ای.

۵. بکار گیری برنامه های تقویت مهارت های پایه.

۶. بررسی وضعیت کنونی بی سوادی با استفاده از آمار و اطلاعات موجود.

۷- اهداف عمومی آموزش از راه دور: فراهم سازی دسترسی همگانی به اطلاعات به منظور افزایش میزان مشارکت افراد در فرایند آموزش و آماده سازی آنان جهت توسعه آموزشی.

از دیگر اهداف:

۱- تعیین طرز تفکر شخصی و عمومی افراد نسبت به مؤسسات آموزشی دولتی و نتایج توسعه آموزشی و پروژه های نوسازی.

۲- به راه انداختن جهاد اطلاعاتی جهت آماده سازی تفکر عمومی جهت خو گرفتن به طرح ها و سیاست های توسعه آموزشی.

۳- فراهم سازی امکان دسترسی به اطلاعات جدید برای کارکنان اجرایی، آموزشی و تحقیقاتی و تشویق آنان در بکارگیری مناسب از این قبیل اطلاعات.

۴- فراهم سازی اطلاعات بسیط

۴- اهداف عمومی توسعه دستیابی آموزشی: هدف عمومی توسعه دسترسی آموزشی، دسترسی درصد خاصی از يك گروه سنی، به سطح تعریف شده ای از موفقیت آموزشی فراتر از آنان می باشد.

از دیگر اهداف:

۱. توسعه وضعیت کنونی آموزش مدارس در کلیه سطوح آموزشی با تعیین روش ها، ابزار، برنامه ها و انجمن های مربوطه.

۲. تعیین روش های مورد نیاز جهت دستیابی به آموزش مطابق با زمان انجام برنامه، تکنولوژی و اطلاعات و تعیین روش های نامناسب که منجر به دستیابی سطحی و ناقص به آموزش می گردد.

۳. تعیین نقش معلمان به عنوان عامل اصلی دستیابی به آموزش و مدرن سازی و توسعه صلاحیت های آنان از طریق ارائه آموزش های مداوم به آنان مطابق با نیازهای متغیر.

۴. اعمال اصلاحات اساسی در خصوص ورودی های سیستم آموزشی، که به پیشرفت روند آموزش تا سطح مطلوب منجر می گردد.

۵- اهداف عمومی سواد آموزی و آموزشی بزرگسالان:

هدف اصلی آموزش بزرگسالان کاهش نرخ افراد بزرگسال بی سواد تا سال ۲۰۰۳ به میزان يك دوم سال ۱۹۹۰ با تأکید کافی بر سواد آموزی زنان جهت کاهش قابل ملاحظه تفاوت نرخ بیسوادی میان مردان و زنان است. از جمله دیگر اهداف آموزش بزرگسالان می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. بسط و گسترش مؤسسات آموزشی و پرورشی پایه در جهت برخورداری جوانان و بزرگسالان از مهارت های پایه در کنار ارزیابی کارایی برنامه ها تا جایی که به ایجاد تغییرات رفتاری و پیشرفت در بهداشت و نیروی کار منتهی گردد.

۲. تعمیق احساسات ملی و اسلامی افراد بزرگسال با به یاد آوری افتخارات و تمدن رو به رشد ملیت عربی و اسلامی و ارتقاء آگاهی افراد از محیط زیست و حقوق و وظایف خود

۳. آگاه بودن از زیرساخت ها، جهت ها و مشکلات مردم عرب.



# ارتقای سطح آموزش و پرورش

اهداف اخلاقی:

- ۱- تزکیه و تهذیب نفس ورشد فضایل و مکارم اخلاقی براساس ایمان به خدا و تقوای اسلامی.
- ۲- پرورش روحیه تعبد الهی و التزام عملی به احکام و آداب اسلامی.
- ۳- پرورش روحیه اعتماد به نفس و استقلال شخصیت.
- ۴- تقویت احساس کرامت اخلاقی و برانگیختن عزت نفس.
- ۵- پرورش متعادل عواطف انسانی و همزیستی مسالمت آمیز.
- ۶- پرورش روحیه نظم و انضباط.
- ۷- پرورش روحیه مبارزه بایکارگی، بطالت و مشاغل کاذب (مصوب ششصد و بیست و ششمین جلسه شورای عالی ۱۳۷۷ / ۷ / ۳۰)

## سند تحول بنیادین

سند تحول بنیادین بدون شک اصلی ترین منبع برای تعیین چهارچوب و تعیین حدود است. در بخش بیانیه ارزش های این سند با توجه به دو مفهوم ۱- آموزه های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوه ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و ائمه معصومین (علیهم السلام) به ویژه امام زمان (عج) و ولایت مداری در تمام ساح تها برای تحقق جامعه عدل جهانی (جامعه مهدوی). مهمترین رسالت منتظران در عصر غیبت م یباشد.

۲- میراث نظری و عملی حضرت امام خمینی (ره)، تعمیق علاقه و پیوند با انقلاب اسلامی، قانون اساسی و ولایت فقیه به عبارتی نقشه راه ما را تا حد زیادی روشن می گردد. {سند تحول بنیادین}

حال که این چهار چوب ها معین شد، میتوانیم به توسعه علمی در

و سنجه های متفاوتی داشته باشد.

اگر این را بپذیریم حال با تعارضی مواجه می شویم، در این که حدود و چهارچوب را ارزش و هنجار ها تعیین کنند یا علم؛ یا بالکل نقطه عظیمت چهار چوب و حدود را هم باید علم تعیین کند؟

علم در جهت گردآوری داده ها و تبیین مسائل بسیار کمک می کند، به طور مثال علم به شما هم از مزایا و معایب مدارس تک جنسیتی می گوید و هم از مزایا و معایب مدارس مختلط.

اما ناممکن بودن پیش بینی رفتار انسان و نتایج آن و از همه مهم تر وجود ابعاد دیگر انسانی که دست علم از رسیدن به آنها کوتاه است، اجازه نمی دهد که ما تماماً مسیر خود را بر پایه مسیر علمی استوار کنیم.

پس حال می پذیریم که باید اهداف، چهارچوب و حدود را با اصول اعتقادی و فرهنگی خود ساخته و در ابزار و وسایل نیل به آنها از علم و تجارب دیگر جوامع با در نظر گرفتن حدود استفاده کنیم.

## اهداف اعتقادی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

۱- ایجاد زمینه لازم برای خودشناسی و خداشناسی و تقویت روحیه حقیقت جویی.

۲- تقویت ایمان و اعتقاد به مبانی اسلام و بسط بینش الهی براساس قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) بامراعات اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی درمورد پیروان مذاهب اسلامی و اقلیتهای دینی.

۳- پرورش روحیه پذیرش حاکمیت مطلق خداوند برجهان و انسان و اعمال این حاکمیت درجامعه براساس اصل ولایت فقیه. ب.

رشد و توسعه و ارتقای سطح آموزش و پرورش از مهمترین دغدغه های هر جامعه ای است. تمامی جوامع در طول تاریخ تلاش کرده اند که به نحوی موثر فرزندان خود را اجتماعی، راه و رسم زندگی را به آنان آموخته و آنان را آماده زندگی بزرگسالی و بدست گیری سرنوشت جامعه، کشور، قوم و بشریت کنند.

در طول سال های اخیر با رشد شهر نشینی، توسعه یافتگی کشورها، کارکرد های آموزش و پرورش هم به شکلی روزافزون گسترش پیدا کرده و به نوعی کارآمدی و توسعه این نهاد را بیش از نهاد دیگر حیاتی کرده است. در این مقاله با محوریت بررسی راه های توسعه این نهاد، ابتدا به تعریف مفاهیمی چون «توسعه»، «ارتقای سطح» می پردازیم، و بعد از آن با تمرکز بر تجارب کشور های دیگر در سیاست گذاری در حوزه آموزش و پرورش به روشی تطبیقی راه های برای توسعه این نهاد ارائه میکنیم.

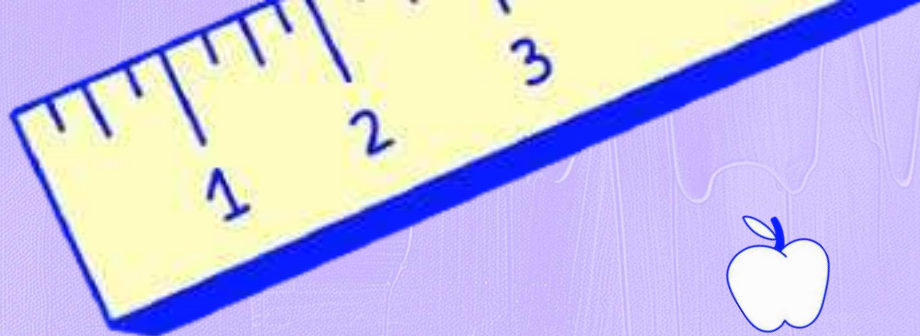
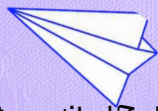
## توسعه آموزش و پرورش

آموزش و پرورش یکی از مهم ترین نهاد ها در همه ی جوامع و به نظر، مهم ترین نهاد برای ایجاد تغییرات و اصلاحات در جوامع به شمار میرود.

در بحث از ارتقای سطح و توسعه باید به این نکته توجه کنیم که منظور ما از ارتقا چیست؟

نیاز به ارتقا در نتیجه تضادی بین وضع موجود و وضع مطلوب بوجود می آید.

یعنی هر جامعه با درک وضعیت خود، درک ارزش ها، عقاید و آرمان ها، نقطه ی مطلوبی در ذهن دارد که نیاز به ارتقا را نیازمند می بیند. پس ممکن است ارتقای سطح و توسعه برای هر جامعه معیار



مثال، دولت آمریکا، سازمان های خصوصی ۵۴ درصد سازمانهای آموزش عالی را تشکیل می دهند. این سازمان ها شامل برخی از معتبرترین دانشگاه ها، مانند هاروارد، پرینستون و ییل می شوند. موسسات خصوصی و عمومی در آموزش عالی آمریکا شکل به هم پیوسته ای دارند. دانش جویان در دانشگاه های خصوصی می توانند از کمک های مالی دولتی و وامهای دولتی استفاده کنند، و این دانشگاه ها منابع مالی پژوهشی دولتی را دریافت می کنند. دانشگاههای دولتی اغلب از کمکهای اعطایی قابل توجهی برخوردار می شوند، و ممکن است از شرکتهای خصوصی هدایایی دریافت کنند. آنها همچنین غالباً از منابع صنعتی خصوصی کمکهای بلاعوض تحقیقاتی دریافت می کنند. (جامعه شناسی، گیدنز) توجه و الگوگیری در این نکته بسیار کمک کننده است که اختلاف عدم همکاری بخش خصوصی، دولت، دانشگاه های خصوصی و دولتی و شکاف موجود بین آنها به تخصیص متمرکز و در عین حال نا کارآمد منابع شده و هر کدام راه خود را رفته و نیروی کار یکپارچه تولید نمی کنند.

در حوزه تحصیلات و وامهای پژوهشی هم باید دقت کرد که منابع مختلف در آمریکا به شدت بر آن تاکید دارند اما در کشور ما توجهی حتی بین دانشگاه ها و عالم خارج حتی در دانشگاه های دولتی که نیروی کار خود دولت خواهند بود و پژوهش های آنان متمرکز خواهد شد توجهی نمی شود. بودجه و منابع تماماً تخصیص به ارتقای سطح دانش نظری، می شود

باعث رشد اقتصادی در چین افزایش عدالت و کاهش فقر میشود.

در گزارشی که سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ ارائه شد ایران در جایگاه ۹۷ قرار داشت که البته با رشد چشمگیری بعد از انقلاب همراه بود و در مسیر بیشتر هم می تواند قرار بگیرد البته بشرطها و شروطها.

کشور ژاپن با رتبه ۸، و فنلاند با رتبه ۱۱ گزینه های خوبی برای مطالعه چگونگی سیاست گذاری در حوزه های مختلف شاخص توسعه به خصوص آموزش و پرورش هستند.

در رابطه با میزان هزینه در آموزش و پرورش از اعداد و رقم های آماری به نکات جالبی میتوان رسید. ژاپن با حدود ۱۲۴٫۵ میلیون جمعیت ۳٫۳ درصد از سهم کل GDB خود را به نهاد آموزش و پرورش اختصاص داده

مثلاً فنلاند با ۱۱ میلیون جمعیت ۶٫۴ درصد از GDP خود را به آموزش و پرورش اختصاص داده و ایران با ۸۵ میلیون جمعیت ۳٫۲ درصد.

ارتباط بین این ارقام نشان می دهد ایران با وجود یک درصد پایین تر از میانگین جهان نمی بایست مشکلی برایش بوجود بیاید چرا که کشورهایی چون ژاپن، روسیه و چین هم درصد هایی پایین تر از میانگین جهانی دارند، پس مشکل کجاست؟

مشکل در سهم آموزش و پرورش از GDP نیست مشکل شیوه تزریق این منابع است.

پاتل و آناپورنا (۲۰۱۹) نشان دادند که هزینه های دولت به اندازه کافی برای ایجاد تأثیر در توسعه منابع انسانی از طریق تحصیلات کافی نیست.

شیوه های مختلف تامین منابع در توسعه تأثیر گذار است، برای

غالب آن پیردازیم.

توسعه و رشد سطح یعنی چه ؟ اگر جواب را رسیدن به نقطه مطلوب بدانیم، آن نقطه چگونه مشخص می شود.

### توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی بر اساس فاکتور هایی از جمله امید به زندگی، نرخ باسوادی، آموزش، بهداشت، تغذیه، و درآمد سرانه واقعی کشور ها را مورد بررسی قرار می دهد.

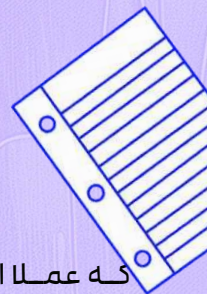
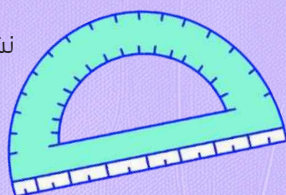
آموزش به عنوان یکی از محورهای اساسی شاخص توسعه انسانی باعث ایجاد سرمایه

انسانی در کشورها می شود. این سرمایه انسانی در ترکیب با سرمایه های فیزیکی، منابع مالی و منابع طبیعی تولید و شکوفایی در کشور را در پی دارد. آموزش و تعلیم افراد باعث ایجاد تحرک اجتماعی و سیاسی شده و نابرابری و تبعیض را حتی الامکان در جامعه کاهش می دهد و موجبات تأمین رفاه شهروندان را فراهم می کند (بربری و همکاران، ۱۳۹۸)

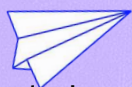
امروزه در بسیاری از کشورها آموزش پایه نه تنها به عنوان حقوق فرد تلقی میشود بلکه به عنوان یک وظیفه، انتظار می رود دولت دسترسی به تحصیلات پایه را تضمین کند.

پیشرفت این ایده، از نیمه قرن نوزدهم شروع شد به این صورت که بیشتر کشورهای صنعتی امروزی هزینه تحصیلات ابتدایی خود را به طور عمده از طریق بودجه عمومی دولت تأمین می کردند.

تحقیقات نشان می دهند که روی هم رفته هزینه های دولت در بخشهای آموزش و پرورش میتواند تأثیر مثبتی بر سرمایه انسانی داشته باشد که در نهایت



مرتضی نظری، ابوطالب سعادت‌ی  
شامیر، خسرو باقری نوع پرست،  
صادق رضایی)



نتیجه

توسعه آموزش و پرورش امری  
ممکن اما متضمن کار دقیق  
، تحقیقات فراوان و مدیریت  
مناسب فرایند ها و برنامه  
ها ست .

محوریت و چهارچوب کلی هر  
جامعه با جامعه دیگر فرق میکند  
که به هیچ وجه الگو پذیر نیست  
همانند همین فنلاند که روکردی  
کاملا سکولار را نسبت به آموزش و  
پرورش خود اتخاذ کرده و درمورد  
کشور ما هم بیانات رهبری و  
سند تحول بنیادین چهارچوب و  
محدوده کار توسعه را مشخص  
می سازد.

اما درمورد، ابتکارات، فنون و روش  
ها میتوان به تجربیات دیگر کشور  
ها رجوع و حتی از آنان دعوت به  
همکاری کرد.

شاخص هایی برای سنجش  
عملکرد آموزش و پرورش وجود  
دارد که میتواند هم مبین نقصان  
و هم نقشه راه توسعه این نهاد  
باشد.

پیگیری مؤلفه های شاخص  
توسعه انسانی، طرح ریزی و  
تنظیم به جای بودجه، تحقیقات  
بیشتر قومی به منظور شناخت  
نیازها و ویژگی های نیروی انسانی  
هر منطقه، توجه کامل دوختن  
به مسئله نابرابری های آموزشی  
، از مسائل مهمی است که اگر  
پیگیری بشوند موجبات توسعه  
و پیشرفت آموزش و پرورش را  
فراهم می سازد.

**آرمین یاری**

**امیر محمد محسنی راد**

**ابوالفضل کاظمی**

**پرهام عظیمی**

**امیر حسین کریمی**

رو به رو می شوند.  
کلمن همچنین این نکته را مطرح  
کرد که کودکان گروه های اقلیت  
چنانچه با دانش آموزان گروه های  
مرفه تر آمیخته شوند، کارکرد  
بهتری در مدرسه خواهند یافت.  
این نتایج تکان دهنده را میبینیم  
اما باز در همین کشور خودمان،  
مدارس خصوصی برپا می کنیم.  
منابع مالی بسیاری در این مدارس  
تزریق می شوند، اما دریغ از نتایج  
چرا که هم دانش آموزان مدارس  
دولتی را که طبق تحقیقات کلمن  
جدا کردیم دچار افت می کنیم،  
و هم دانش آموزانی در مدارس  
خصوصی رشد می کنند که در  
همان محیط بسته بزرگ شده  
هیچ ارتباطی با هم سالان دیگر  
خود در مدارس دولتی نداشته، با  
کیفیت بالاتر تحصیل خود و منابع  
مالی که وجود دارند خیل عظیمی  
حتی مهاجرت می کنند.

توجه به این مسایل هست که نه  
سهم از GDP بلکه مدیریت مسایل  
مهم تر را در اولویت توسعه آموزش  
و پرورش در به دنبال آن توسعه  
سرمایه انسانی می گذارد.

همچنین هیچگونه مؤسسه  
خصوصی یا کلاس خصوصی  
در فنلاند، به جز مدرسه های  
رسمی بین المللی وجود ندارد و  
۹۰ درصد مؤسسه های آموزشی  
مدرسه های دولتی هستند .

(Ceci & Williams, ۲۰۲۰) از عمده  
ترجیحات ارزشی نظام آموزشی  
فنلاند میتوان به فراهم کردن  
فرصت برابر برای تعلیم و تربیت،  
توجه به استعداد های همه افراد  
و عدم جداسازی دانش آموزان بر  
اساس بهره هوشی اشاره کرد.  
در این کشور هیچ مدرسه ای  
مانند تیزهوشان، نمونه و غیره  
و تلاش برای نخبه پروری وجود  
ندارد (رضوی، ۱۳۹۹) (شناسایی  
مبانی علمی و فلسفی آموزش  
دانش آموزان تیزهوش در فنلاند  
و ایران و ارائه الگویی برای ایران

که عملا از دانشجویان بانک داده  
ای بلا استفاده خواهد ساخت که  
طبیعتا نه به واسطه کمبود کار  
بلکه به دنبال غیر کارآمد بودن  
دانش منتقل شده، یا مشاغل  
بی ربط و یا مهاجرت گرایش پیدا  
می کنند که عملا به آب دادن  
تمامی منابع ممکن است.

مثال دیگری که وجود دارد از  
تخصیص مناسب منابع اینگونه  
هست که در همین آمریکا در یک  
پژوهش بزرگ در دهه ۱۹۶۰ در مورد  
نابرابری های آموزشی رخ داد و  
مدیر آن حیمز کلمن بود.

نتایج آزمایش اینگونه بود که  
اکثریت عظیم کودکان در مدارس  
بودند که عملا به سیاه و سفید  
تفکیک شده بود. تقریبا ۸۰ درصد  
مدارسی که دانش آموزان سفید  
پوست به آنها می رفتند ۱۰ درصد  
یا کمتر دانش آموز سیاه پوست  
داشت. آمریکایی های سفید  
پوست و آسیایی ها در آزمون های  
پیشرفت نمراتی بالاتر از سیاهان  
و اقلیت های قومی دیگر کسب  
کرده بودند. کلمن فرض کرده  
بود که مطالعه نشان خواهد داد  
اساسا مدارس سیاهان تسهیلات  
نامناسب تر، کلاسهای بزرگتر و  
ساختمان های پست تری نسبت  
به مدارس عمدتا سفید پوست  
دارند، اما نتایج بررسی نشان داد  
که این گونه اختلافات به مراتب  
کمتر از آن است که پیش بینی  
شده بود.

کلمن نتیجه گیری علت اصلی را این  
گونه دید که منابع مادی فراهم  
شده در مدارس چندان تفاوتی  
در عملکرد آموزشی بوجود نمی  
آورد، عامل تعیین کننده، زمینه  
اجتماعی و خانوادگی کودکان است  
. به گفته کلمن نابرابری هایی که  
بوسیله خانه، محله، و محیط  
همسالان به کودکان تحمیل  
میشود و بعدا به صورت نابرابری  
هایی در می آید که افراد در پایان  
مدرسه در زندگی بزرگسالی با آنها

# روایت دیدار

۱۰ صبح در ورودی بیت رهبری حاضر شدم. خوشبختانه صف هنوز طولانی نشده بود و امیدوار بودم که بتوانم در طبقه‌ی اول حسینه و نزدیک به جایگاه بنشینم. پس از تحمل چندین ساعت انتظار و گذر از بازرسی‌ها، وارد حسینه شدم. اما صد حیف که به دلایل امنیتی چفیه را از من گرفتند. دلم شکست اما شوق دیدار بر هر حس دیگری غلبه داشت. روبه‌روی جایگاه نشستم. نزدیک‌تر از آن چیزی که تصورم را می‌کردم. از شدت خوشحالی، یکی از دوستانم را در آغوش گرفتم. در فضای حسینه شور و هیجان موج می‌زد. صدای شعارها با صدای رسای دانشجویان روزه‌دار طنین‌انداز می‌شد:

"ای پسر فاطمه، منتظر شماایم..."

لحظه‌ی ورود رهبری نزدیک‌تر شد و با هر شعار قلبم تندتر می‌زد. ناگهان همه‌ی سراسر حسینه را گرفت. همگی ایستادیم و منتظر آمدن

ایام فاطمیه را داشتیم اما این بار فرق داشت! قرار بود با هویت یک دانشجو به همراه آرمان‌هایم در محضر رهبرم حاضر شوم. از همان لحظه، ثانیه‌ها رنگ انتظار گرفتند...

به سراغ کمد رفتم و چفیه مخصوصم را بیرون آوردم. چفیه‌ای که متبرک به پیکر چند شهید گمنام بود. ساعت‌ها فکر کردم که چه جمله‌ای شایسته‌ی نوشتن بر روی آن است. باید چیزی می‌نوشتیم که خاص باشد و از دل برآید تا بر دل نشیند! ذهنم مدام به یک نام گره می‌خورد: «فائزه»

فائزه رحیمی، هم‌دانشگاهی شهیدم، دختری که اگر هنوز در جهان ما بود. مطمئنم دلش برای این دیدار پر می‌زد. به یاد او، با جوهرهای رنگی‌ام روی چفیه نوشتم:

"به یاد شهیده فائزه رحیمی، دانشجومعلم انقلابی؛ با ولایت تا شهادت."

بالاخره روز موعود فرارسید. از ساعت

حوالی ساعت ۶ عصر بود. در سکوت پیچیده‌ی عصر، استراحت می‌کردم که یک شماره ناشناس به تلفن مادرم زنگ زد. هنوز گیج خواب بودم، پس تماس را رد کردم اما چند لحظه بعد، همان شماره به تلفن خودم که در نزدیکی تلفن مادرم بود زنگ زد. شماره‌ی یکی از هم‌دانشگاهیانم بود. دلشوره عجیبی به دلم افتاد. حتماً موضوع بسیار مهمی بود که با توجه به پاسخگو نبودن خودم، شماره‌ی مادرم را هم پیدا کرده بودند و با او تماس گرفته‌اند! با قلبی که تندتر از همیشه می‌تپید، تماس را پاسخ دادم.

صدای هیجان‌زده دوستم در گوشی پیچید: «اسمت برای دیدار رهبری با دانشجویان توی ماه مبارک دراومده!»

یک لحظه سکوت کردم. نه از ناباوری، بلکه از حجم عظیم خوشحالی که در هیچ واژه‌ای نمی‌گنجید. تجربه دیدارهای عمومی دیگر در ماه محرم و

وَفِي قَوْلِ الْحَكِيمِ: فَفَدَا وَتِي خَيْرًا كَثِيرًا

و به هر کس حکمت و دانش داده شود، به یقین، خیر فراوانی داده شده است. البقره ۳۶۹



بیشتر ضرر می‌کند آمریکا است.» در اینجا بود که با پاسخ رهبری طنین صدای تکبیر دانشجویان از غرور و قدرت بلند شد.

دیدار ماه، مثل هر سال از نکات کلیدی، ارزنده و امید پر بود. امید به نسل جوان دانشجویان که آینده‌ساز این مرز و بوم است و تمام تلاش خود را باید برای ساختن ایرانی سبز و مانا بگذارد.

علاوه بر این، رهبر عزیزمان نیز در تمام مدت با آرامش و متانت همیشگی‌شان حرف‌های ما را شنیدند و مانند پدری دلسوز پاسخگوی دغدغه‌هایمان بودند و هر واژه‌ای که از لبانشان جاری می‌شد، انگیزه‌ای تازه را به جانمان می‌ریخت.

من از اینکه سخنران نیستم حسرت نمی‌خوردم چون حضورم در این جمع کافی بود.

اذان شد. نماز مغرب و عشاء را به امامت رهبری خواندیم و ایشان پس از نماز، با آرامشی وصف‌ناپذیر مشغول ذکر و دعا شدند. اما برای من، تصویر ماندگار آن شب، سجاده‌ی سفیدی بود که «نماز جمعه‌ی نصر» را هم بر آن اقامه کرده بودند.

و لحظه‌ی وداع هم آمد. رهبری به نشانه‌ی خداحافظی دست بلند کردند و برخی از دانشجویان که خوش‌اقبال‌تر بودند چفیه و انگشتری از دست مبارکشان هدیه گرفتند. خوش به سعادتشان! اما من چه؟! من چیزی فراتر از یک هدیه‌ی مادی نصیبم شد؛ عهده‌ی که با خودم بستم تا همیشه دانش‌جو بمانم و این نگاه پر از امید را ناامید نکنم.

**مبینا کوشکی،**

**امور تربیتی**

**امیرحسین امینی،**

**آموزش تاریخ**

سیاسی، پرداختن و حل کردن مسائل و مشکلات صنفی که در وهله‌ی بعدی باید نگاه به بیرون دانشگاه باشد مثل مسائل سیاسی روز و....

رهبری در ادامه به این اشاره کردند که جوان امروز آمادگی مقابله با دشمن را دارند و این که می‌گویند نسل جدید دانشجویان مثل نسل دهه شصت آمادگی ندارد، درست نیست.

ایشان آرمان و تلاش را رمز موفقیت و مقاومت دانستند. ایشان گفتند: «سال گذشته بزرگانی مثل شهید جمهور، سید مقاومت، شهید سنوار و شهید هنیه را از دست دادیم.

نبود آنان قطعاً جبران‌ناپذیر است ولی این به معنای ضعیف شدن ما نیست! امروز که این بزرگان را از دست داده‌ایم، ضعیف‌تر نشده‌ایم بلکه در برخی جهات قوی‌تر هم شده‌ایم.»

این صحبت رهبری به معنای پایداری و خستگی‌ناپذیری جبهه مقاومت، حزب‌الله و جبهه حق بود.

خطاب ایشان به جوانان این بود: «مادامی که دو عنصر آرمان و تلاش وجود داشته باشد، به حرکت کلی ما ضربه‌ای وارد نمی‌شود.»

سخنرانان در نطق‌هایشان به مذاکره اشاره کردند. رهبری نیز مثل همیشه در سخنرانی موضع صریح خود را بیان کردند: «اشاره به اینکه می‌گویند چرا مذاکره نمی‌کنید؟ اگر هدف ما رفع تحریم باشد، مذاکره با این دولت رفع تحریم را در پیش نخواهد داشت! بلکه گره را کورتر هم خواهد کرد.»

به لحظات پایانی دیدار و اذان مغرب نزدیک می‌شدیم و صحبت‌های رهبری سرشار بود از عزت و قدرت: «گفته‌اند نمی‌گذاریم ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند! ما اگر می‌خواستیم سلاح هسته‌ای داشته باشیم، آمریکا نمی‌توانست جلوی ما را بگیرد.

آمریکایی‌ها تهدید می‌کنند به نظامی‌گری، ایران به دنبال جنگ نیست اما اگر آمریکایی‌ها و عوام‌لشان دست به اقدام غلطی بزنند، اقدام متقابل از طرف ایران قاطع و حتمی‌ست و آنکه

ایشان بودیم. وقتی رهبری وارد شدند و روبه‌رویم قرار گرفتند، چهره‌ی نورانی ایشان را مصداق تمام بزرگی و مهربانی دیدم اما در آن لحظه چیزی فراتر از ظاهر ایشان توجه مرا جلب کرد و آن نگاه پدران و پر آمیدی بود که به ما جوانان داشتند و آنجا بود که با خودم عهد بستم این نگاه را ناامید نکنم، باید "دانش‌جو" باشم نه فقط یک عنوان با اسم دانشجوی.

مراسم شروع شد و سخنرانان یکی یکی پشت تریبون می‌رفتند و بیانه‌هایشان را در محضر ایشان قرائت می‌کردند.


نماینده دفتر تحکیم، مطلبی را بیان کرد: «برآورد ما این است که ادبیات جوانگرایی چند وقتی است در کلام شما کم رنگ شده، آیا برآورد ما درست است؟»

«نه درست نیست! بنده امیدم فقط شما جوانان هستید.» و از پاسخ رهبری حسینه پر از شور و هیجان جوانان شد. البته ایشان به اینکه شرط این امید بر این است که روی مواضع خود ماندگار باشیم، اشاره کردند.

**رهبری گلایه‌ای هم داشتند...**

ایشان به فضای حاکم بر محیط دانشجویی اشاره کردند و از اینکه این فضا به سوی پخته‌تر شدن پیش می‌رود ابراز خرسندی کردند. رهبری در دیدار سال گذشته هم از عملکرد تشکلهای دانشجویی و میزان فعالیت آنان گلایه داشتند و امسال هم به همان نکته اشاره کردند که نشان دهنده این است که ما به عنوان فعالین جنبش‌های دانشجویی آنچنان که باید، از سال گذشته تا کنون پیشرفت قابل توجهی در جهت ایجاد فضای گفتمانی، نگاه به درون دانشگاه و افق دید رهبری را ایجاد نکرده‌ایم.

وظیفه‌ی دانشجویان معلم فعال انقلابی مشخص است، فعالیت با نگاه به درون! یعنی ابتدائاً باید به مسائل داخل دانشگاه فرهنگیان توجه کرد، مسائلی اعم از فعالیت فرهنگی،



از برای رفتنت داغی دگر بر جان ما  
می‌نشیند بار دیگر تیر بر جانان ما  
در سرای پست این دنیای فانی می‌زند  
باز هم خاکستری بر آن مه تابان ما  
سپید لبان برای قلب ما باشد عزیز  
خون او می‌جوشد از سر چشمه ایران ما  
صدهزاران مرد دیگر رهگذر در راه او  
عمرتان خاموش با آن خنجر برآن ما  
ملت فرعون شکن ترسی ندارد تا ابد  
گر رسد جام شهادت بر تن و دامن ما  
سیلی محکم خورید آن روز که سر می‌رسد  
صبر ما با قوّت و با قدرت طوفان ما

محمد ایمان ریاضی فر

جهت عضویت در کانال و ارتباط  
با نشریه نجما، می توانید از  
**Code QR** زیر و یا آیدی کانال  
استفاده کنید.



آیدی کانال پیامرسان ایتا و تلگرام

**@nashriyenajma**

ارتباط با مدیرمسئول نشریه

**@mohiyodin**